

## هشت مارس امسال در ایران رنگی چپ، آزادیخواهانه و برابری طلبانه داشت.



# انترناسیونال



## حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۸۰۷

جمعه ۲۴ اسفند ۱۳۹۷، ۱۵ مارس ۲۰۱۹

## هشت مارس امسال در ایران با صدایی رسا

شهلا دانشفر

روز جهانی زن امسال در گوشه و کنار کشور بسیار زیبا، اجتماعی، پر بار و با ابتکارات جدیدی برگزار شد. هشت مارس امسال متأثر از اوضاع متحول سیاسی امروز بود و این اولین و مهمترین تمایز آن با هشت مارسهای گذشته است. بویژه در شرایطی که شعار علیه بساط سرمایه داری وحشی حاکم هر روز بیشتر به شعارهای کف خبابان تبدیل شده است، ۸ مارس، روز جهانی زن که اساساً یک روز آزادیخواهی و برابری طلبی است و ریشه در سنت تاریخی چپ و کمونیستی دارد، بیش از پیش چهره رادیکال و انسانی خود را نمایان ساخت و این را در بیانیه های هشت مارس و در سخنرانیها و گفتمانهایی که بر سر گرامیداشت این روز در مدیای اجتماعی جاری بود به روشنی دیدیم. بدین ترتیب هشت مارس امسال همانگونه که انتظار میرفت کاملاً رنگی چپ، آزادیخواهانه و برابری طلبانه داشت. به سهم خود به زنان و مردان آزاده ای که امسال با فداکاری و جسارت و در گوشه و کنار کشور فعالیتهای روز جهانی زن را سازمان دادند و برگزار کردند صمیمانه درود میفرستم.

هشت مارس امسال یک هشت مارس متعرض به تمام نمادهای تبعیض جنسیتی در جامعه بود. این خود به هشت مارس امسال چهره ای تعرضی میداد. در هشت مارس امسال زنان و مردان آزادیخواه با بیانی شفاف تر از هر زمان به آپارتاید جنسی نه گفتند. به سرکوب جنبستی و زندان و شکنجه نه گفتند و بطور واقعی کیفرخواست خود را علیه ۴۰ سال جنایت علیه زنان و علیه بشریت اعلام داشتند. هشت مارس امسال بطور واقعی نمادی از کارزارهای مبارزاتی قدرتمندی بود که در جامعه علیه حکومت آپارتاید جنسی در تمام وجوه و عرصه ها جریان است. از جمله در مراسم های مختلفی که به مناسبت این روز بر پا شد شاهد یک هشت مارس بی حجاب بودیم. در عین حال زنان و دختران جوان با حضورشان در خیابان و مترو و پارک ها و در سخنرانی هایشان خطاب به مردم در باره این روز کیفرخواست خود را علیه همه وجود تبعیض جنسیتی علیه زن اعلام داشته و هشت مارس را شادباش

صفحه ۲

صفحه ۳

### انترناسیونال می پرسد:

شرین شمس، نسان نودینیان، فاتح بهرامی و محمد آسنگران پاسخ میدهند

صفحه ۶

### بازخوانی منصور حکمت: مارکسیسم و جهان امروز

صفحه ۹

### بازتاب هفته

صفحه ۱۰

### اعتراض به زندگی زیر خط فقر و خواست فوری حداقل دستمزد ۷ میلیون

شهلا دانشفر

صفحه ۱۱

### بریتانیا در چنگ بحران "برگزیت"

کاظم نیکخواه

### اختلاس هفت میلیارد یورویی، نه اولین و نه آخرین است

صفحه ۱۲

حسن صالحی

دو گزارش از مراسم های روز زن در خارج و کردستان و همچنین دو اطلاعیه از حزب در این شماره درج شده است که می خوانید

### کمونیسم چگونه در ایران پیروز میشود؟

سمینار انجمن مارکس : حمید تقوایی

متن پیاده شده این سمینار بزودی به شکل ضمیمه انترناسیونال منتشر می شود

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## هشت مارس امسال در ایران با صدایی رسا

شهلا دانشفر



گفتند.

یک وجه دیگر هشت مارس امسال بیان رابطه تنگاتنگ جنبش‌رهای زن با جنبش کارگری به عنوان عرصه‌ای از مبارزه طبقاتی جاری در جامعه و کالا شدن جنسیت زن بود. به عبارت روشنتر ۸ مارس امسال رابطه ناگسستگی جنبش‌های اعتراضی مردم به عنوان عرصه‌های مختلف نبرد طبقاتی علیه مصائب سرمایه‌داری حاکم را به روشنی به نمایش گذاشت. به مناسبت این روز تشکلهای مختلف کارگری چون سندیکای نیشکر هفت تپه، سندیکای واحد، اتحادیه آزادی کارگران ایران، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری، اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران، اتحاد سراسری بازنشستگان، بیانیه دادند و با تاکید بر پیوند ناگسستگی جنبش کارگری با جنبش برای رهایی زن روز جهانی زن را گرامیداشتند. همچنین نهادهای اجتماعی دیگر چون کانون نویسندگان ایران به مناسبت این روز بیانیه

داده و هشت مارس را گرامیداشت. جنبه مهم و قابل توجه دیگر برگزاری هشت مارس امسال که به آن ویژگی میداد، گرامیداشت این روز در وجوهی بسیار ساده و کف خیابان بود. نمونه‌های آن عبارتند از: گرامیداشت هشت مارس در آرایشگاه و نصب بنر شادباش آن بر دیوار، گرامیداشت هشت مارس توسط دستفروشی که بساطش را در خیابان پهن کرده با نصب بنری به مناسبت این روز، گرامیداشت این روز توسط نوازنده موزیک خیابانی و نصب بنر شادباش این روز در خیابان، حضور دو زن جوان در وسط خیابان ولیعصر و گرامیداشت هشت مارس و سخنرانی آنها برای مردم حاضر در محل، برپایی نمایشگاه عکس در پارک هنرمندان تهران با موضوع ممنوعیت ازدواج کودکان و سخنرانی دونفر از برگزارکنندگان این مراسم برای حاضرین و نیز برگزاری نمایشگاه به مناسبت روز جهانی زن در خیابانهای دیگر از جمله خیابان کارگر، رکاب زدن زن جوان با بادبادک‌های

رنگی و نصب دستنوشته‌ای در گرامیداشت هشت مارس در پشت دوچرخه اش، بزرگداشت هشت مارس روز جهانی زن در بین بیماران و پرستاران در درمانگاه و نصب دست نوشته‌های هشت مارس در اطاقهای بیماران. از همین دست ابتکارات کلیپی از تحصن سه روز معلمان در روزهای ۱۲، ۱۳ و ۱۴ اسفند معلمان بود که از سوی کانال صنفی معلمان به هشت مارس روز جهانی زن تقدیم کردند. در متن چنین شرایطی بود که مراسم هشت مارس تهران به ابتکار تشکل "ندای زنان ایران" به سپیده‌قلبان دختر شجاعی که کنار کارگران هفت تپه و اسماعیل بخشی ایستاده و از تحقیرهای جنسیتی و شکنجه‌های درون زندان سخن گفت، تقدیم شد. در پیامهایی هم از سوی فعالین اجتماعی روز جهانی زن به دختران انقلاب و خانواده‌های زندانیان سیاسی تقدیم گردید. در عین حال یک بیانیه مهم مراسم هشت مارس تهران تاکید بر خواست حداقل حقوقها ۷ میلیون که هم اکنون

تشکلهای مختلف کارگری بر سر آن بیانیه داده اند، بود. ۸ مارس روز جهانی زن را زنان و مردان آزادیخواه در تهران و در شهرهای مختلف گرامیداشتند که نقطه درخشان آن مراسم هشت مارس بود که به همت نهاد "ندای زنان ایران" در تهران برگزار شد. این مراسم با حضور جمعی از فعالین کارگری، بازنشستگان، معلمان، نویسندگان و شعرا، هنرمندان، فعالین حقوق کودک، جمعی از خانواده‌های دادخواهی و فعالین حقوق زنان و با حضور افتخاری منیره عبدی، همسر اسماعیل عبدی معلم زندانی برگزار شد. سخنرانی‌های این نشست، شورانگیز و تکانه‌دهنده بودند. سخنرانی‌های این نشست در عین کارزاری ها اعتراضی در سطح جامعه را نمایندگی میکردند. در سخنرانی‌های این نشست مباحثی چون جنبش زنان در طول چهل سال حاکمیت آپارتاید جنسی، خشونت‌های پنهان بر زنان تن فروش به عنوان قربانیان سیستم حاکم و تبعیض و ستم آشکار بر زنان، داستان قتل‌های ناموسی زیر پوشش قوانین حاکم که نتیجه این بحث اعلام کارزار "زن ناموس نیست" بعد از روز جهانی زن است، سخن گفتن از زندگی یک زن شاغل و یا بازنشسته و بیحقوقی‌های زن، مشکلات دریافت هويت توسط مادران برای فرزندان، زنان در جنبش‌های اعتراضی از سوی سخنرانان متعددی ارائه شد. در این نشست منیره عبدی همسر اسماعیل عبدی نیز به عنوان یک زن از مشکلات خانواده‌های زندانیان سیاسی سخت گفت و روز جهانی زن را از جانب خود و همسرش اسماعیل عبدی شادباش گفت. خشونت‌های پنهان بر زنان تن فروش به عنوان قربانی تبعیض و ستم آشکار بر زنان نیز موضوع سخنرانی یکی از زنان بود. این چنین بود که مراسم

هشت مارس تهران صدای اعتراض جنبش نوین زنان علیه تمام مظاهر تبعیض علیه زن را نمایندگی میکرد و بطور واقعی کیفرخواستی بود علیه ۴۰ سال حاکمیت آپارتاید جنسی بر جامعه.

علاوه بر مراسم هشت مارس تهران در دانشگاهها نیز از جمله در دانشگاه علامه در گرامیداشت روز زن تریبون آزادی گذاشته شده بود که در محل آن پوسترهایی به مناسبت روز جهانی زن نصب شده بود و سخنرانان علیه بردگی زن سخن گفتند. نمونه‌های دیگر از برپایی روز جهانی زن در شهرهای دیگر عبارت بودند از: گرامیداشت هشت مارس در دانشگاه زنجان، برپا کردن بساط رقص و شادی از سوی زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در وسط شهر رشت، برپایی مراسمی در شهر سمنان و در حومه این شهر، گرامیداشت روز جهانی زن توسط گروهی از معلمان در شیراز با دست نوشته‌هایی در شادباش این روز همراه با ورزش در وسط خیابان، گرامیداشت هشت مارس در یک کارخانه، گرامیداشت روز جهانی زن توسط گروههای کوهنورد در تهران، کامیاران و اشنویه، پخش شکلات به مناسبت روز جهانی زن در محلاتی از شهر سقز و برپایی این روز در جمع ها و محافل کوچک و بزرگ در شهرهای مختلف از جمله کرمانشاه، اصفهان، تبریز، مشهد، اهواز، آمل و بسیاری شهرهای دیگر. بطور خلاصه در چهره ۸ مارس امسال یکبار دیگر چهره دختران انقلاب را میدیدیم که با صلابت بر سکوی انقلاب رفته و حکومت آپارتاید جنسی را به چالش میکشند. و این چنین بود که هشت مارس امسال به یک هشت مارس تاریخی و زیبا در ایران تبدیل شد. زنده باد هشت مارس! زنده باد آزادی و برابری!

هشت مارس و حقوق زنان، پوشش اختیاری، آزادی، نقش انقلابی زنان، از دیگر اقدامات اجتماعی امسال بود.

در محله های شیراز، پخش پوسترها و تراکت های انقلاب زنانه در حمایت از فعالین دربند با تصاویری از سپیده قلیان، آتنا دائمی، گلرخ ایرایی، ساناز الهیاری، و در گرامیداشت سمبل های مقاومت و ایستادگی زنان، زهرا نوبیدپور، ریحانه جباری و ندا آقا سلطان، پوسترهایی از چهل سال مبارزه زنان ایران، و نیز پخش "کیفرخواست زنان ایران" علیه چهل سال شکنجه، بی حقوقی، آزار و اذیت جسمی و روانی، تجاوز جنسی و جنایتهای سازماندهی شده قانونی، دولتی و قضایی و در یک کلام حکومتی صورت گرفت.

در مرکز و بازار شهر تبریز، شاهد پخش و نصب تراکت های انقلاب زنانه با شعار حکومت "ضدن، شکنجه، سرکوبگر، سرنگون سرنگون" و "زنده باد دختران خیابان انقلاب"، "زنده باد انقلاب زنانه"، "زنده باد هشت مارس روز جهانی زن" بودیم.

در دانشگاه علامه تهران، تریبون آزاد بمناسبت هشت مارس برگزار شده بود که دانشجویان پیشرو و رادیکال، سن تریبون آزاد را با نصب پوسترهایی با تصاویری از جدال زنان با گشت ارشاد مزین کرده و یک دانشجوی زن به سخنرانی علیه بردگی جنسی و عدم حمایت قانونی از زنان قربانیان آزار و اذیت جنسی پرداخت.

در مترو تهران، پخش گل به مناسبت هشت مارس و تبریک این روز مهم از طرف جمعی از زنان، به زنان دیگر در مترو اقدام اجتماعی و جالب دیگری بود.

در سطح شهر تهران، هشت مارس را در دوچرخه سواری یک زن که دوچرخه اش با بادکنکهای قرمز تزئین شده بود و پیام برابری زن و مرد میداد، بین هنرمندان و نوازندگان خیابانی، بین دستفروشان زن، در آرایشگاههای زنانه، بین کوهنوردان دارآباد تهران، هم میشد دید که حتی روزها قبل از قرا رسیدن این روز، با شعار گرامی باد هشت مارس و "برابری زن و مرد" شهر را به مطالبات پیشرو زنان مزین کرده بودند.

نمایشگاه خیابانی عکس در اعتراض به کودک همسری که مورد بازدید مرضیه ابراهیمی قربانی اسپیداشی های زنجیره ای بصورت زنان به تحریک امام جمعه اصفهان قرار گرفت، و سخنرانی فعالین حقوق زنان بدون حجاب در خیابان ولیعصر تهران، دیدار با زنان بیمار و پرستاران زن در یکی از مراکز درمانی به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن، و برگزاری مراسم هشت مارس در تهران به همت ندای زنان ایران، از دیگر ابتکارات مهم و تاثیرگذار امسال بود.

مراسم هشت مارس در تهران برگزاری روز جهانی زن در سنجند و حومه سنجند و در بین کوهنوردان اشنویه، کامیاران هم از جمله اقداماتی است که جا دارد به آنها اشاره شود.

"گرامی باد هشت مارس" در مدارس ایران توسط معلمان و دانش آموزان روی تخته های کلاسها نقش بست و حتی معلمان شیراز اقدام به یک کار جمعی با در دست داشتن پلاکارهایی در حمایت از حقوق زنان کردند.

در شبکه های اجتماعی شاهد انتشار پیامهای

صفحه ۴

## انترناسیونال می پرسد:

شرین شمس، نسان نودینیان، فاتح بهرامی و محمد آسنگران پاسخ میدهند

دیگری اینکه، این حکومت در اسلامیزه کردن جامعه ایران، در حمله به مدنیت و مدرنیسم، و نابود کردن ارزشهای جهانشمول انسانی، یک حکومت شکست خورده است، چرا که پس از چهل سال سرکوب و تحمیل ارزشهای اسلامی، جامعه همچنان به سراغ ارزشهای جهانشمول انسانی می رود و "روز جهانی زن" را در سطح شهرهای مختلف ایران گرامی میدارد.

امسال ما شاهد ابتکارات بسیاری در روز جهانی زن بودیم. ویژگی های این روز از نظر شما چه بود؟ تفاوت های امسال و سالهای قبل را چگونه می بینید؟

**شرین شمس:** هشت مارس روز جهانی زن ۱۳۹۷، نقطه عطف جدال زنان و جامعه با حکومت جمهوری



اجتماعی بودن، اعتراضی و سیاسی بودن هشت مارس، چشمگیر بودن دخالتگری طیف های مختلف جامعه و همبستگی جنبش های مبارزاتی و سیاسی با جنبش نوین رهای زن را در چندین اقدام که در ذیل به آن میپردازم، می توان دید:

نمایشگاه خیابانی عکس با شعار "انقلاب زنانه"، شامل عکسهایی از تظاهرات هشت مارس سال ۱۳۵۷، در اعتراض به فرمان خمینی به حجاب اجباری، و عکسهایی از مبارزات چهل ساله زنان ایران یکی از اقدامات سیاسی و رادیکال امسال بود. این نمایشگاه که با پخش و نصب پوسترهایی در خیابان انقلاب و مقابل دانشگاه تهران، در خیابان کاگر و خیابان ویلا در تهران با شعار "خانه، خیابان، کارخانه، انقلاب زنانه" روی دیوارها و ایستگاههای اتوبوس و باکس های برق و تابلوهای راهنمایی و رانندگی برگزار شد، یکی از مناطق مهم و استراتژیک تهران را که اتفاقاً حکومت نیروی سرکوب قابل توجهی در آن مستقر میکرده است را به خود اختصاص داد.

توسط گروهی دیگر، در همین منطقه تهران، کتابچههایی به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن توزیع شد که مورد استقبال خوبی توسط رهگذران قرار گرفت.

پخش تراکت در محله های تهران با شعار "زن، کارگر، دانشجو، اتحاد اتحاد"، پرفورمنس درباره حقوق زنان در پارکی در تهران، گرافیتی ها و شعارنویسی ها با مضمون

اسلامی و عرض اندام سیاسی مقابل حکومت زن ستیز اسلامی محسوب می شود.

با اقدامات و کنشهای صورت گرفته بمناسبت هشت مارس در سطح شهرهای مختلف ایران، در دانشگاه، و حتی پیامهای تصویری منتشر شده از روستاهایی در ایران، یک واقعیت مهم نمایان می شود و آن اینست که علی رغم تهدیدها و فشارهای وارده به فعالین از سمت دستگاههای امنیتی، علی رغم فضای سرکوبی که حکومت با آن قصد مرعوب کردن جامعه را دارد، "روز جهانی زن" امسال بصورت گسترده و اجتماعی، و با ابتکارات و اقداماتی برگزار شد که مفهومی کاملاً سیاسی و اعتراضی داشت.

روز جهانی زن امسال، به فاصله کوتاهی از "روز زن" در جمهوری اسلامی فرا رسید؛ روز تولد فاطمه که حکومت چهاردهه با صرف هزینه های نجومی، تلاش کرده این روز را به عنوان روز زن به جامعه تحمیل کند و تمام نیروی سازماندهی خود را بکار گرفته که جامعه را به ظرفی برای مزین کردن ارزشهای ارتجاعی و اسلامی تبدیل کند. اما کنشهای انجام شده از روزها قبل از فرا رسیدن و در سررسید هشت مارس، دو واقعیت مهم را نشان میدهد؛ یکی اینکه جمهوری اسلامی در مهار و کنترل زنان ایران، که ابزاری برای سرکوب جامعه بوده یک حکومت ناتوان است و این ناتوانی بدون چهل سال مبارزه و جدال روزانه زنان با این حکومت بر سر حجاب اجباری، تفکیک جنسیتی و قوانین اسلامی، میسر نمیشد. و

از صفحه ۳ انترناسیونال می‌پرسد:

جنبش‌های زن، فعالین کارگری و معلمان و فعالین اجتماعی میخواستند برنامه‌های شادی و جلسات بزرگ در گرامیداشت هشت مارس برگزار کنند. دشمنان مردم و حکومت ضد زن مانع برگزاری مراسم و جشن و شادی در روز هشت مارس شدند.

خارج از این جبهه بندی واقعی که در کردستان ایجاد شده بود، مراسم‌های با شکوهی در روز جهانی زن (۱۷ اسفند - ۸ مارس) برگزار شد. در این شماره انترناسیونال گزارش ما در ارتباط با مراسم‌های هشت مارس را منتشر کرده‌اید. جنبش‌های زن و مردم آزادیخواه تلاش کردند سیاستهای دستگیری و احضاریه و تهدید حکومت اسلامی را با تجمع در اطراف شهرها و برپایی مراسم و جشن و شادی خنثی کنند. در همین رابطه در شهرهای سنندج، سقز، پیرانشهر، بانه و کامیاران مراسم‌های خوب و با شکوهی برگزار شدند.

اینجا این را نیز اضافه کنم، تلاش ما و تعداد زیادی از فعالین جنبش‌های زن این بود که مشخصات سیاسی و شرایط متفاوت کنونی را تعریف و خود را برای سازماندهی جنبش نوین زنان در کردستان آماده کنیم.

اولین فاکت: جنبش اعتراضی مردم در ایران برای زیر کشیدن حکومت اسلامی سرمایه است. تحت تاثیر این جنبش اعتراضی و مبارزاتی فضای سیاسی - اجتماعی جامعه تغییر کرده، در یکسال گذشته در سطح سراسری و در کردستان حضور فعال زنان در اعتراضات برجسته شده است. در اعتصاب عمومی مردم در کردستان در ۲۱ شهریور ماه زنان در سازماندهی اعتصاب نقش قابل توجهی داشتند. اعتصابات معلمان در کردستان با استقبال گرمی انجام شد. زنان معلم در این اعتصابات نقش مهم و بزرگی داشتند. ما در کردستان باید بتوانیم با بکارگیری فاکت‌های موجود تغییر اوضاع سیاسی و مبارزاتی کنونی و بمیدان آمدن زنان به سازماندهی جنبش نوین زنان و جنبش‌های زن جواب بدهیم. یکی از مهمترین فعالیت ما در کردستان این مساله مهم و سازماندهی زنان مبارز و کمونیستی است که فی الحال موجودند اما هنوز در قامت جنبش‌های زن به اندازه کافی ابراز وجود نکرده‌اند.

\*\*\* \*\*

**در مورد انتصاب رئیسی به قوه قضاییه: معنای این انتصاب چیست؟ چه هدفی را دنبال میکنند؟ چرا الان؟**

**فاتح بهرامی:** گماردن رئیسی، "جنایتکار تاریخ"، به راس قوه قضاییه نمونه دیگری از افلاس و استیصال خامنه‌ای در مقابل مردمی است که برای سرنگونی این رژیم بیخاسته‌اند. نشان دادن جلاد بر صندلی "قاضی القضاة" نشان دادن چنگ و دندان به مردم و دهن کجی به خانواده‌های قربانیان کشتار سال ۶۷ است. اما مگر رهبر آدمکشان جمهوری اسلامی در مقابل تنفر و انزجار مردم از این حکومت راه دیگری جز سرکوب و دهن کجی میشناسد؟ انتصاب رئیسی قرار است جامعه را مرعوب کند، اما مدتهاست که پاسخ مردم به ارباب حکومتی صریح و با صدای بلند اینست که "دیگر اثر ندارد".

جمهوری اسلامی در تجمعات و مراسم و تظاهرات‌های ده‌ها شهر اروپا، کانادا و ترکیه برگزار شد. از جمله این شهرها به وین اتریش، استکهلم سوئد، آمستردام هلند، دنهاخ هلند، گوتبرگ سوئد، پاریس فرانسه، کوینهاگ دانمارک، ونکوور و تورنتو کانادا، کلن و فرانکفورت و هانوفر و لایپزیک آلمان، مالمو سوئد، هلسینکی فنلاند و اسکیشیر ترکیه می‌توان اشاره کرد که فقط با سازماندهی حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان این حزب امکان پذیر بود.

هشت مارس ۲۰۱۹، روز جهانی زن، چهلمین سالگرد آغاز شکل‌گیری جنبش نوین‌های زن با پرچم انقلاب زنانه علیه حجاب اجباری، تفکیک جنسیتی، بردگی جنسی و کلیت جمهوری اسلامی بود، و بدرستی اقدامات انجام شده امسال، به گرامی‌شدنات چهل سال مبارزه زنان ایران برای رهایی از فرهنگ و قوانین اسلامی و زینه سالار، و به یک سازماندهی اجتماعی، برای بیان مطالبات چپ، رادیکال، آزادیخواهانه، برابری طلبانه، و سکولار در امر رهایی زن که خواهان قطع دست مذهب از زندگی زنان و جامعه و خواهان پایان دادن به ستم طبقاتی هست اختصاص داده شد. البته که فضای رادیکال و اعتراضی و سیاسی ایران، در این امر بی‌تاثیر نبود؛ اعتراضات سراسری دیماه ۹۶، کارزار تکثیر دختران خیابان انقلاب، اعتراضات مرداد ۹۷، اعتصابات کامیونرانان، اعتصابات معلمان، اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و فولار اهواز و اعتراضات دانشجویان در ۱۶ آذر ۹۷، گفتمان اداره شورایی در فضای سیاسی ایران، ایستادگی و مقامت فعالینی چون اسماعیل بخشی و سپیده قلیان زیر ضرب سرکوب، در تقویت جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی تاثیر بسزایی داشت و شیب زمین مبارزه به سمت انقلاب و توازن قوای سیاسی را به نفع جنبش‌های اعتراضی و سیاسی تغییر داد. هشت مارس روز جهانی زن سال ۹۷ در تاریخ مبارزات زنان و مردم ایران، به نفع انقلاب و جنبش سرنگونی، و علیه جمهوری اسلامی و جنبش اسلامی سیاسی ثبت شد.

\*\*\* \*\*

**بزرگداشت ۸ مارس روز جهانی زن در شهرهای کردستان: امسال مردم در کردستان چگونه به استقبال ۸ مارس رفتند؟**

**نسان نودینیان:** امسال این تنها زنان و یا بقول شما مردم مبارز نبودند که به استقبال روز جهانی زن (هشت مارس) رفتند. امسال حکومت اسلامی با دوایر اطلاعات و سپاه پاسداران و قوه قضاییه هم به "استقبال" هشت مارس رفتند. اولی‌ها جنبش‌های زن، زنان انقلابی و مردم در تدارک مراسم‌های بزرگ در شهرها و سالنهای بزرگ بودند. برنامه‌های آنها جلسه و پانل و جشن و شادی بود. دومی‌ها؛ جبهه ضد زن، حکومت اسلامی با آمادگی از قبل تدارک دیده شده و از چند هفته قبل از هشت مارس دست به تهدید، احضار و دستگیری ده‌ها نفر از فعالین اجتماعی زدند. برای تعداد زیادی احضاریه فرستادند و ده‌ها نفر را تهدید کردند و تعدادی هم دستگیر شدند. در یک کلام دو جبهه، مردم و حکومت اسلامی به استقبال هشت مارس رفتند! زنان و جبهه

تصویری از شهرها و روستاهای داخل ایران با تاکید بر ضرورت مبارزه با جمهوری اسلامی برای تحقق حقوق زنان، و شعارهای "نه به حجاب اجباری"، "برابری زن و مرد"، "رهایی زن‌های جامعه" و "نه به تبعیض علیه زنان"، "نه به سرکوب فعالین و زنان" بودیم و نیز به اشتراك گذاری پیامهای تصویری از برداشتن حجاب‌ها در سطح شهر و اماکن عمومی و مقابل مساجد، به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن.

یکی دیگر از ویژگی‌های هشت مارس امسال، پیامهایی بود که از طرف زندانیان سیاسی زن و فعالین دربند داده شد که آتنا دانشی، گلرخ ایرایی و مریم اکبری منفرد جزء این دسته بودند که علی‌رغم همه خشونت‌های اعمال شده بر آنها در طول مدت حبس تسلیم نشدند. این اقدام نماد عینی شعار "نه تهدید نه زندان دیگه فایده نداره" بود که این روزها در تجمعات و تظاهرات‌های جنبش‌های مختلف اعتراضی سر داده می‌شود.

یک نقشه عمل کامل و جامع که شامل اقدامات پیشنهاد شده در داخل و خارج و شبکه‌های اجتماعی بود و متریال کاملی که در اختیار همگان قرار گرفت، توانست به همت زنان و جوانان و دانشجویان و فعالین در حرکت‌های خیابانی و بصورت اجتماعی در داخل، ضمن گرامیداشت هشت مارس این روز مهم جهانی و تاریخی، و ضمن ارج نهادن به مبارزات چهل ساله زنان ایران، در سطح پراکنده به یک عرض اندام سیاسی مقابل جمهوری اسلامی تبدیل شود. امسال پرچم انقلاب زنانه یکبار دیگر در شهرهای ایران بالا برده شد و جنبش نوین‌های زن توانست، دیگر جنبش‌های سیاسی، مبارزاتی و اعتراضی را نیز با خود همراه کند.

اطلاعی‌ها، بیانی‌ها و پیام‌های تشکلهای کارگری و فعالین این عرصه نیز، امسال نسبت به سالهای قبل بیشتر و چشمگیرتر بود و این نشان میدهد که توجه‌ها بیش از قبل به جنبش نوین‌های زن و نقش زنان در رادیکالیزه کردن اعتراضات بیش از گذشته، در یک اصطلاح نقش انقلابی زنان و انقلاب زنانه جاری در جامعه ایران، معطوف شده، و جنبش‌های مبارزاتی و سیاسی دیگر، بیش از قبل به درجه اهمیت بالا بردن پرچم رهایی زن برای رهایی کل جامعه در مقابل حکومتی که با حجاب اجباری و پرچم زن ستیزی، از سال ۵۷ اقدام به سرکوب زنان، شورا‌های کارگری و کل جامعه کرد پی برده‌اند؛ رویکردی که نسبت به سالهای قبل پرنرگتر و برجسته‌تر شده و بیشتر مورد توجه فعالین قرار گرفته است. اطلاعی‌ها و بیانی‌ها و اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادسراسری بازنشستگان ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کانون نویسندگان ایران و پیام پروین محمدی فعال کارگری از جمله این اقدامات بودند.

در خارج کشور هم شاهد یک همبستگی وسیع با زنان و مردم ایران، مراسم هشت مارس، از طریق برگزاری نمایشگاه عکس از چهل سال مبارزه زنان ایران، حمایت از فعالین دربند و شعارهایی علیه حجاب اجباری، علیه قوانین اسلامی و سرکوب زنان و جامعه و علیه کلیت

از صفحه ۴ انترناسیونال می‌پرسد:

در شرایط سیاسی امروز ارباب حکومت عموماً نتیجه معکوس دارد، مردمی که قرار است مرعوب بشوند در مبارزه شان شجاعتر و بی‌باک تر از قبل با رژیم روبرو میشوند. حرفهای فعالین کارگری در داخل و خارج از زندانها که صریح و بی‌پروا نقدشان و حقشان را فریاد میزنند نمونه ای از این واقعیت است. ۸ مارس امسال یک نمونه مهم دیگر است که در ابعادی بیسابقه و کیفیتی متفاوت از قبل جنبش رهائی زن عرض اندام کرد، و زنان مبارز حتی بدون حجاب عکسهای جمعیشان را در اینترنت پخش کردند. خامنه‌ای و دیگر جانپان حکومت این پیشروی جنبش سرنگونی را میدانند و نتوانسته اند جلو آنرا بگیرند، بهمین دلیل اربابشان از قدرقدرتی نیست از افلاس و استیصال است.

آنچه که خبر انتصاب رئیسی را برجسته کرد به تفاوت‌های صادق لاریجانی و ابراهیم رئیسی مربوط نیست. ایندو مثل هم هستند، شاید یکی از تفاوت‌های مهمشان رنگ عمامه های آنها باشد، اما هر دو از نزدیکترین موجودات داخل حکومت به خامنه ای و مطیع او هستند، هر دو فاسد و جنایتکارند، هر دو نزد مردم جزو منفورترین عناصر رژیم هستند... عملکرد لاریجانی در ده ساله که در راس قوه قضائیه بوده زیانزد خاص و عام است. قوه قضائیه این حکومت دستگاه سازمان دادن قتل و جنایت آزادیخواهان و کارگر و زن معترض به این سیستم، و جاری کردن قوانین و مجازاتهای توحش اسلامی است که موجوداتی مثل این دو را لازم دارد که در راس آن باشند. آنچه در مورد خبر انتصاب رئیسی توجه ها را جلب کرده این نکته است که خامنه ای مجبور شده خشن ترین تصویر از قوه قضائیه را برای دور آینه به جامعه بدهد. ارائه این تصویر با انتصاب رئیسی ممکن میشود که بدلیل اینکه در سال ۶۷ یکی از ۴ نفری بود که بدستور خمینی "حکم خدا" را اجرا کردند و فرزندان مردم را به جوخه اعدام سپردند، در جریان مضحکه انتخاباتی ۹۶ به "آیت الله قتل عام" مشهور شد و او کسی است که علیه "حقوق بشر" رجز میخواند و قطع دست را جزو "افتخارات جمهوری اسلامی" میدانند.

رئیسی قرار است تلاش کند دستگاه قوه قضائیه را طوری بازسازی کند که پاسخگوی شرایط امروز باشد که جنگ مرگ و زندگی برای این حکومت است. خودشان البته به سر و سامان دادن به معضلات این دستگاه و به فساد عمیق و گسترده ای که دامنگیر آن است تاکید میکنند، و همچنین امید دارند که بین سایر قوا هماهنگی و همکاری ایجاد کند. در این میان عکس العمل یک طیف "اصلاح طلبان" از انتصاب رئیسی قابل توجه بود که ضمن استقبال و ابراز خوشحالی، رئیسی جلاد را به لقب "فرزند دادگستری" مفتخر کردند. این البته جای تعجبی نیست، اینها، "اصلاح طلب و اصولگرا"، سر و ته یک کرباسند و جناحهایی از حکومتند که بود و نبودشان به موجودیت این رژیم وابسته است. "اصلاح طلبان" البته هنر رنگ کردن قورباغه را بهتر از جناح دیگر بلدند، و قادرند که با ادبیاتی بعضاً متفاوت با آخوندها و جناح سنتی رژیم

تصویر امروزی تری از خود بدهند و برای شیره مالیدن بر سر مردم آنرا بکار بگیرند. اطلاق "فرزند دادگستری" به "آیت الله قتل عام" بعنوان یک مصداق قورباغه رنگ کردن دیگر شرم آور است. قوه قضائیه جمهوری اسلامی دستگاه دادگستری نیست، دستگاه قتل گستری و جنایت گستری و توحش گستری است.

جمهوری اسلامی در یک بحران همه جانبه و بن بست جدی قرار دارد. اقتصاد این رژیم ورشکسته و در حال فروپاشی است و هیچ راه حل اقتصادی و سیاسی در چهارچوب این حکومت برای آن وجود ندارد. بخشی از این حکومت، از آخوندها و سپاه و دیگر سرمایه داران از این وضعیت نفع میبرند. عده ای از همینها هر روز در حال بالا کشیدن ثروت جامعه و خارج کردن ارز هستند و ثروت بادآورده را دارند منتقل میکنند و گویا خود را برای فرار آماده میکنند. اما برای اکثریت بالائی از جامعه زندگی در این شرایط دارد بسمت غیر ممکن سیر میکند. تعیین تکلیف مردم کارگر و زحمتکش و آزادیخواه با این حکومت به صدر دستور جامعه رانده شده و سران رژیم اینرا میدانند. مهمترین معضل حکومت اسلامی همین مردمی است که علیه او برخاسته اند. بحران اقتصادی و بحران محیط زیست و فقر و بیکاری گسترده و دیگر مصائبی که امروز گریبانگیر جامعه است همگی به زندگی همین امروز مردم وصل است و از اینرو حل معضلات آنها به سرنگونی این رژیم گره خورده است. بمیدان آمدن کارگران و زنان و مردم آزادیخواه از یکسو و مقابله حکومت با آن صورت مساله اصلی سیاست در ایران است. ارباب همانطور که اشاره کردم روی مردم عموماً تاثیر ندارد و حتی تاثیر معکوس دارد. از آنطرف جمهوری اسلامی علیرغم تضعیف و بحران هنوز قدرت سرکوب دارد و میتواند برای عقب راندن مردم از آنان قربانی بگیرد. اما امروز دوره ۳۰ سال پیش و تابستان ۶۷ نیست. دهه ۶۰ دهه تثبیت حکومت بود و دهه ۹۰ دهه پایان جمهوری اسلامی میتواند باشد. آنچه امروز و تا به مساله مقابله با سرکوب حکومت برمیگردد این نکته است که امکان افسار زدن به قدرت سرکوب حکومت وجود دارد و باید برای کار کرد. این در درجه اول مستلزم حضور متشکل و قدرتمند طبقه کارگر و متشکل شدن جنبشهای اعتراضی و تلاش رهبران عملی کارگران و این جنبشهاست.

\*\*\* \*\* \*

**دولتهای ترکیه و حکومت اسلامی به دنبال عملیات مشترکی علیه پ.ک.ک در ترکیه هستند؛ تأثیرات این اقدام بر معادلات منطقه و نیروهای سیاسی چه خواهد بود؟ چه تأثیری در موقعیت نیروهای ناسیونالیست کرد در ایران خواهد داشت؟**

**محمد آسنگران:** این دومین بار است که مقامات ترکیه در دو سال اخیر چنین ادعاهایی میکنند و جمهوری اسلامی در قبال آن سکوت کرده است. له و علیه آن چیزی نگفته است. اما تحلیلاً میتوان گفت چنین گفتگوها و تصمیماتی مورد بحث این دو حکومت بوده است. اجازه بدهید قبل از پاسخ به سوال شما بگویم این مباحث

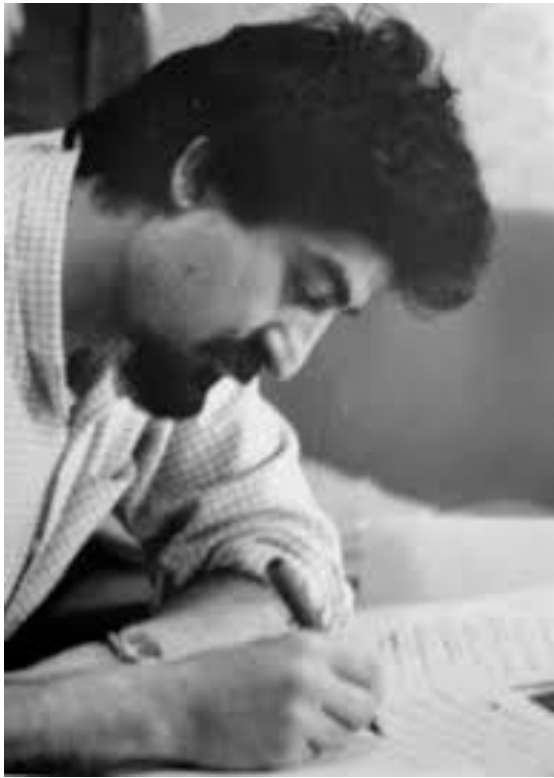
قدم بعدی این توافقات این است که برای خروج نیروهای اسلامی در ادلب ترکیه راضی به این اقدام بشود. اکنون خواست ترکیه برای رضایت دادن به این توافق، حمله مشترک ترکیه و جمهوری اسلامی به پ.ک.ک است. در واقع دولت ترکیه با اعلام این خبر دارد میگوید اگر کل توافقات قرار است انجام بشود و جریانات اسلامی ادلب را تحویل ارتش سوریه بدهند، باید حمله مشترک جمهوری اسلامی و ترکیه به پ.ک.ک عملی بشود.

اکنون روشن نیست که جمهوری اسلامی به این توافق پایبند خواهد بود یا با هماهنگی روسیه و سوریه حمله به ادلب را راساً آغاز میکنند و این بخش از توافق را نادیده میگیرند؟

پیچیدگی مسئله این است که جمهوری اسلامی و پ.ک.ک در یک توافق غیر رسمی قبلاً برای تسلط ی.پ.گ بر کردستان سوریه، آتش بس در مرز ایران و ترکیه و عراق را عملی کرده اند. از سال ۲۰۱۲ پ.ک.ک و جمهوری اسلامی و ی.پ.گ و پژاک در هماهنگی با هم عمل کرده اند. اکنون سپاه پاسداران و پ.ک.ک و پژاک در مرزهای کردستان ایران منتهی به قندیل با همدیگر هماهنگی و همکاری نزدیکی دارند. اگر جمهوری اسلامی بخواهد با دولت ترکیه دست به اقدام نظامی علیه پ.ک.ک بزند هم مذاکرات ی.پ.گ و سوریه با مشکل مواجه میشود، هم نگران این خواهد بود که آمریکا و اسرائیل و عربستان نیروهای مسلح پ.ک.ک و پژاک و ی.پ.گ را به جریان بارزانی نزدیک کنند و کل این جبهه به عامل فشاری علیه جمهوری اسلامی تبدیل بشود. زیرا در چنین حالتی احزاب ناسیونالیست کرد کردستان ایران هم به آن جبهه علیه جمهوری اسلامی

## بازخوانی منصور حکمت: مارکسیسم و جهان امروز

مارس ۹۷



"بنظر من کسی که نظام اقتصادی موجود را بهترین و ممکن ترین نظم مینامد دارد به توحش خودش اعتراف میکند. واقعیت اینست که بویژه با نقد مارکس به سرمایه داری، بشریت ضرورت و امکانپذیری یک نظام اقتصادی و اجتماعی برتر را اعلام کرده و حتی خطوط اساسی چنین جامعه ای را ترسیم کرده است. جامعه ای متکی بر برابری و آزادی کامل انسانها، جامعه ای مبتنی بر تلاش خلاقانه همگانی برای تامین نیازهای بشری، جامعه ای که در آن وسائل تولید دارایی مشترک همه مردم باشد. جامعه ای جهانی بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون کشور و بدون دولت مدتهاست مقدور است. خود سرمایه داری مقدمات مادی این نظام اقتصادی نوین را فراهم کرده است."

**انترناسیونال:** نکته ای که مفسرین غربی بویژه با شکست بلوک شرق بر آن تاکید میگذرانند فردیت و اصالت فرد چه در اقتصاد و چه در سیاست است. گفته میشود که نه فقط در اقتصاد نوع شوروی، بلکه در همه کشورهایی که در طی دو سه دهه گذشته به نوعی اقتصاد رفاه متکی به نقش فعال دولت در تولید و توزیع و تنظیم مناسبات اقتصادی روی آوردند، افزایش مسئولیت جامعه یا دولت و تضعیف فردیت و رقابت و انگیزه فردی در فعالیت اقتصادی موجب رخوت اقتصادی و مشخصا درجا زدن تکنیکی جامعه میشود. به زعم مفسرین غربی رقابت و فردیت نه فقط رکن جامعه سرمایه داری است، بلکه جزء لایتجزا و غیر قابل جایگزینی فعالیت اقتصادی انسان بطور کلی است. سوسیالیسم به این متهم

میشود که به فرد بی توجه است، جامعه را به فرد مقدم میکند و حتی در صدد یک شکل کردن انسانها و از میان بردن فردیت آنهاست. سوال اینست که اولاً، بنظر شما این مساله چه سهمی در بن بست اقتصادی بلوک شرق داشت و ثانیاً، در سطح کلی تر، رابطه سوسیالیسم و فرد را چطور تفسیر میکنید؟

**منصور حکمت:** قبل از هرچیز باید در معنی فرد و فردیت در ایدئولوژی بورژوایی دقیق شد. منظور از فرد در این ایدئولوژی انسان نیست و اصالت فرد نباید معادل اصالت انسان گرفته شود. اتفاقاً این خود جامعه سرمایه داری و تلقی بورژوا از انسان است که از خودویژگی فردی انسانها، از تمام آن مشخصاتی که از هر یک ما انسانی منحصر بفرد میسازد و هویت فردی ما را تعریف میکند، انتزاع میکند و چه در قلمرو مادی و اقتصادی و چه از نظر معنوی و سیاسی - فرهنگی، تصویری بی چهره و فاقد هویت فردی از انسانها بدست میدهد. در این جامعه انسانها نه با هویت و مشخصات فردی شان، بلکه بعنوان محمل انسانی روابط اقتصادی معین با هم روبرو میشوند و به این عنوان با یکدیگر فعل و انفعال میکنند. رابطه میان انسانها صورت و وجهی از رابطه میان کالاهاست و اولین مولفه در تعریف مشخصات فرد رابطهای است که او با کالاهای و پروسه تولید و مبادله آنها دارد. فرد موجود زندهای است که یک مکان اقتصادی را نمایندگی میکند. کارگر حامل نیروی کار بعنوان یک کالا و فروشنده آن است، سرمایه دار تجسم انسانی سرمایه است، مصرف کننده، صاحب قدرت خرید معینی در

بازار کالا است. انسان با این ظرفیتهای در جامعه سرمایه داری شناخته میشود و به حساب میآید. وقتی متفکر بورژوا از اصالت فرد و فردیت سخن میگوید، اتفاقاً نه اصالت انسان، بلکه ضرورت انتزاع از مشخصات انسانی خاص هر انسان و ادغام او بعنوان یک واحد، و نه چیزی بیشتر، در مناسبات و معادلات اقتصادی سخن میگوید. اصالت فرد برای بورژوازی یعنی اصالت کالا، اصالت بازار و اصالت مبادله ارزش بعنوان رکن مناسبات متقابل میان انسانها، چرا که فقط در این قالب، یعنی بعنوان مبادله کنندگان کالاهای مختلف در نهاد بازار است که چهره و هویت مشخص هر انسان از او سلب میشود و بعنوان یک "فرد"، یک واحد انسانی حامل کالایی با ارزش مبادله، با انسانهای دیگر روبرو میشود. تنزل انسان به فرد در سرمایه داری لازم و اجتناب ناپذیر است زیرا انسانها باید منطق موقعیت اقتصادی خود را به اجرا دریاورند و این منطق را جایگزین تعقل و اولویت انسانی خود کنند. کارگر باید در پی فروش نیروی کارش باشد و پس از فروش کالا را به خریدار تحویل بدهد، یعنی برای او کار کند. سرمایه دار باید ضروریات انباشت سرمایه را به اجرا دریاورد. کارگر باید با فروشندگان کالای مشابه رقابت کند. سرمایه دار باید برای افزایش سهم خود از کل ارزش اضافه، بارآوری کار و تکنیک تولید را مدام بهبود بدهد. باید به موقع بیکار کند و بموقع استخدام کند. در هر یک از این نقشها اگر انسانها بنا باشد اولویتهای و تشخیصهای ماوراء اقتصادی خود را اعمال کنند مکانیسم

اقتصادی سرمایه داری دستخوش اختلال میشود. در سطح سیاسی نیز بحث اصالت فرد نقش مشابهی دارد. اصالت فرد مبنای سیستم حکومتی پارلمانی است که در آن در بهترین حالت، یعنی تازه اگر شرط مالکیت و مرد بودن و سفید بودن و نظیر اینها با چند ده سال مبارزه مردم از شرایط انتخابات حذف شده، هر فرد یک رای برای انتخاب نمایندگان پارلمان سراسری در کشور دارد. بعد از انتخابات مردم به خانه شان میروند و منتخبین لاقول روی کاغذ امر قانونگذاری را به نیابت آنها بدست میگیرند. هر فرد یک رای است و نه یک انسان با ظرفیت تشخیص مستمر نیازها و اولویتهای و مجال تحقق بخشیدن به آنها. سیستم سیاسی ای که در آن این دخالت مستمر آحاد مردم وجود داشته باشد، برای مثال یک سیستم شورایی که حضور دائمی خود آحاد مردم در پروسه تصمیم گیری را در سطوح مختلف، از محلی تا سراسری، تامین کند، از نقطه نظر تفکر پارلمانی، "دموکراتیک" محسوب

نمیشود. تبیین سیاسی از فردیت در نظام بورژوایی مشتق مستقیم تبیین اقتصادی آن است. اساس آن سلب هویت کنکرت انسانها در حیات سیاسی جامعه است. با این مقدمات به سوالتان در مورد شوروی برمیگردم. شوروی اقتصادی نبود که در آن انسان اصل قرار گرفته باشد و فردگرایی بورژوایی از این زاویه زیر منگنه قرار گرفته باشد. آنچه که این فردیت را در این سیستم نقض میکرد دست اندازی وسیع یک نظام اداری به مکانیسم بازار بود. وقتی مفسر غربی به نقض فردیت و فردگرایی در شوروی اشاره میکند اعتراضش اساساً به سیستمی است که در آن مالکیت خصوصی به سرمایه بشدت محدود شده است و لاجرم ارباب صنایع نه از منطق تصمیمات یک نظام اداری تبعیت میکنند. عبارت دیگر سرمایه فاقد محمل های انسانی فردی و خصوصی متعدد است، و ثانیاً، کارگر شوروی علیرغم اینکه از نظر

ادامه از صفحه ۶

مارکسیسم و جهان امروز

سیاسی در برابر سیستم اداری مطلقاً متمایز و منفرد شده است، از نظر اقتصادی بعنوان یک فروشنده منفرد و در حال رقابت با کارگران دیگر ظاهر نمیشود. اینکه سیستم اداری بطور کلی میکوشید بر مبنای محاسبات اقتصادی خود مانند بازار، آحاد سرمایه را به عرصه های سودآورتر کانالیزه کند و یا راساً ارزش نیروی کار را در حداقل ممکن نگاه دارد، از نظر بورژوازی نمیتوانست جای تقابل آزادانه و رقابت آمیز سرمایه ها و تقابل کار و سرمایه در یک بازار کار رقابتی را بگیرد. شعار اصالت فرد در برابر مدل شوروی شعاری علیه این سیستم اداری به نفع آزادی سرمایه خصوصی و گسترش رقابت و انفراد اقتصادی کارگران در بازار کار بود. همانطور که گفتیم این سیستم اداری دیگر قادر نبود نقش پیچیده و متنوع بازار را به عهده بگیرد و بخصوص نمیتوانست انقلاب تکنیکی که در سطح کشورهای صنعتی جهان در جریان بود را به اقتصاد شوروی تعمیم بدهد.

لَا بُنْظَرَ مَنْ هُمْ، با اینمحمل اصلی توسعه تکنیکی در این نظام است. اما این را هم باید گفت سرمایه داری بقاء خود را مدیون این واقعیت هم هست که خود بورژوازی مستمراً و در مقاطع تعیین کننده دامنه این رقابت و فردیت را محدود کرده و به دخالتهای اقتصادی و ماوراء اقتصادی نهادهای اداری و دولتها در این سیستم تن داده است. بحرانهای اقتصادی با عواقب ویرانگر و رکودهای حاد همانقدر ذاتی سرمایه داری است که بهبود دائمی تکنولوژی و انباشت سرمایه داری از این طریق خود را بازسازی و تصفیه میکند. نیاز بورژوازی به کنترل دامنه این بحران ها و از آن مهم تر

ضرورت حفظ نظام بورژوایی از لحاظ سیاسی در مقابل مبارزه طبقه کارگر، احزاب و دولتهای بورژوایی را ناگزیر کرده است تا مستمراً از بالا در اقتصاد دخالت کنند و تعدیلاتی به مکانیسم بازار تحمیل کنند. تاچریسم و مانترایسم دهه هشتاد در مقابل یک سنت قدرتمند کینزی و سیاستهای سوسیال دموکراتیک که به دخالت مهم دولت و نقش هزینه های دولتی در رشد اقتصادی تاکید میکردند علم شد و بنظر میرسد امروز خود در جریان عقب نشینی است. بهرحال منظورم اینست که پذیرش نقش محوری رقابت و بازار در توسعه تکنیکی سرمایه داری هنوز به این معنی نیست که حتی خود بورژوازی بقاء سرمایه داری و رشد آن در دراز مدت را در بازار آزاد و رقابت کامل جستجو میکند و یا قبلاً بر این مبنا حرکت کرده است. بازار آزاد و رقابت کامل و فردگرایی اقتصادی افراطی مورد ادعای راست جدید همانقدر پا در هوا و غیر واقعی است که ایده سرمایه داری برنامه ریزی شده و فاقد رقابت. در مورد سوسیالیسم فرد، یا بهتر بگویم سوسیالیسم و انسان، زیاد میشود صحبت کرد. مارکس تا امروز جدی ترین و عمیق ترین منتقد مسخ انسانیت در جامعه سرمایه داری بوده است. اساس مبحث فیتیشیم کالایی در کتاب سرمایه نشان دادن این واقعیت است که چگونه سرمایه داری و تبدیل تولید و مبادله کالاها به محور مناسبات متقابل انسانها مبنای از خود بیگانگی و بی چهرگی انسان در جامعه سرمایه داری است. سوسیالیسم قرار است این هویت را به انسانها برگرداند. شعار از هر کس به اندازه قابلیتش و به هر کس به اندازه نیازش، تماماً مبتنی بر برسمیت شناختن و تضمین حق

خود هر انسان در تعیین جایگاهش در حیات مادی جامعه است. در جامعه سرمایه داری انسان اسپر قوانین کور اقتصادی است که مستقل از تفکر و تعقل و تشخیص او، سرنوشت اقتصادی او را تعیین میکنند. همانطور که گفتم فرد در تفکر بورژوایی یعنی انسان سلب هویت شده، انسان از خودبیگانه، انسانی که تمام مشخصات ویژه و کیفیات فردی خاص او از او تکانه شده و لذا میتواند بصورت یک "راس" انسان به محمل زنده این یا آن رابطه اقتصادی و نقش تولیدی تبدیل بشود. خریدار یا فروشنده یک کالای معین. اتفاقاً این جامعه سرمایه داری است که انسانها را به این شیوه استاندارد میکند و همه را با هم شبیه الگوهایی میکند که تقسیم کار اقتصادی بدست داده است. در این نظام ما نه انسانهایی معین با زاویه دید فردی خود به حیات، با روانشناسی و روحیات و عواطف خاص خودمان، بلکه اشغال کنندگان پستهای اقتصادی خاصی هستیم. ما واسطه های جاندار در مبادله کالاها بیجانیم. ما را، حتی در روابط نزدیک شخصی و عاطفی با افراد دیگر در جامعه، در درجه اول با این مشخصه مان میشناسند. چکاره هستیم، قدرت خریدمان چیست، طبقه مان چیست، شغل مان چیست. بر مبنای این موقعیت اقتصادی، یعنی بر مبنای رابطه مان با کالاها، دسته بندی و قضاوت میشویم. جامعه سرمایه داری مدل و قیافه زندگی هر یک از این دسته بندی ها را هم بدست داده است. چه میخوریم، چه میپوشیم، کجا زندگی میکنیم، از چه خوشحال میشویم، از چه میترسیم، رویا و کابوسمان چیست. سرمایه داری بدوای هویت انسانی ما را

سلب میکند و بعد خودش ما را با هویت های استاندارد اقتصادی که به ما الصاق کرده است به هم معرفی میکند. در مقابل، سوسیالیسم جامعه ای است که در آن انسان بر مقدرات اقتصادی خود غالب میشود. از چنگ قوانین کور اقتصادی رها میشود و خود آگاهانه فعالیت اقتصادی خود را تعریف میکند. تصمیم با انسانها است و نه با بازار و انباشت و ارزش اضافه. این، یعنی رهایی کل جامعه از قوانین کور اقتصادی، شرط رهایی فرد و اعاده انسانیت و خودویژگی انسانی هر فرد است.

تمجید سرمایه داری از فردیت در واقع تمجید متمایز شدن انسانهاست. توده انسانها در نتیجه آنچنان سیال و انعطاف پذیر میشوند که میتوانند بر حسب نیازهای اقتصادی سرمایه به اینسو آن سو پرتاب بشوند. دقت کنید ببینید بورژوازی کجا یاد فردیت و حقوق فردی میافتد. در مقابل تلاش برای هر نوع برنامه ریزی اقتصادی که مخل مکانیسم بازار باشد و پای اولویتهای اجتماعی ماوراء اقتصادی را به میان بکشد. با بحث فردیت و آزادی انتخاب فردی به جنگ بیمه درمانی دولتی، مدارس دولتی، مهد کودکها، خدمات رفاهی عمومی، ممنوعیت اخراج، بیمه بیکاری و غیره میروند. همینطور علیه اتحادیه ها و تشکلهای کارگری، زیرا این تشکلهای کارگر را، حال به هر

درجهای، از متمایز بودن بیرون میآورند و دامنه رقابت فردی در میان آحاد فروشنده نیروی کار را کاهش میدهند و به نحوی از انحاء تشخیص انسانهای معین در مورد سطح دستمزد و شرایط کار و غیره را به معادلات لخت و عور بازار تحمیل میکنند. درست جایی که کارگر و شهروند میخواهد انسانیت خود را اعمال کند و از موضع پرنسیپها و نیازهای انسانی خود و جامعه خود تصمیم اقتصادی بگیرد، بنظر بورژوا فردیت خود را نقض میکند. همین گواه معنی واقعی اصالت فرد در سرمایه داری است.

اساس سوسیالیسم انسان است، چه در ظرفیت جمعی و چه فردی. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. جنبشی است برای خلاص کردن انسانها از اجبار اقتصادی و از اسارت در قالبهای از پیش تعیین شده تولیدی. جنبشی است برای از بین بردن طبقات و طبقه بندی انسانها. این شرط حیاتی شکوفایی فردی است.

**انترناسیونال:**

سوسیالیستی جای رقابت و انگیزه فردی چه چیزی را میتواند قرار بدهد؟ بهبود دائمی روشهای تولید، افزایش تنوع و مرغوبیت محصولات، رشد تکنیکی، ابداع و نوآوری که در چهارچوب سرمایه داری و بازار حتی بصورت انقلابات تکنولوژیکی شاهد آن بوده ایم، اینها چگونه در سوسیالیسم

صفحه ۸



ادامه از صفحه ۷

مارکسیسم و جهان امروز

تضمین میشود؟ چه مکانیسمی در ساختار اقتصاد سوسیالیستی تلاش دائمی آحاد انسانی برای نوآوری و بهبود کمی و کیفی تولید را تضمین خواهد کرد؟

**منصور حکمت:** بهبود

تکنیک و کیفیت تولید اختراع سرمایه داری نیست، همانطور که تولید معیشت انسانها چنین نیست. نظام سرمایه داری شیوه معینی است که در آن تلاش دائمی انسانها برای بازتولید و بهبود شرایط زندگی شان به شکلی خاص سازمان مییابد. در متن این شیوه تولید معین هم رقابت و انگیزه فردی هنوز منشاء پیشرفت تکنیکی نیست، بلکه محمل و مجرای است که از طریق آنها اجبارهای بنیادی تری روی کل سرمایه اجتماعی فشار میاورند، به بنگاهها و افراد در بازار منتقل میشوند و آنها را به تکاپو وامیدارند. بالا بردن دائمی بازآوری کار و نرخ ارزش اضافه شرط لازم جلوگیری از سقوط نرخ عمومی سود در شرایطی است که مداوما بر حجم سرمایه ثابت افزوده میشود. این نیاز کل سرمایه اجتماعی، از طریق بازار بصورت جبر رقابت به سرمایه های منفرد و بنگاهها منتقل میشود. سرمایه ای که تکنیک خود را بهبود ندهد از گود خارج میشود. در حلقه بعد همین رقابت میان تولید کنندگان وسایل تولید در جریان است، دانش، کنجکاوی علمی، اختراع و نوآوری به این ترتیب از طریق بازار و توسط سرمایه سازمان داده میشوند. انسان همیشه در جستجوی دانش و بهبود فن تولید و کیفیت زندگی خویش است. اما این تلاش ذاتی انسان در سرمایه داری حول سودآوری و انباشت سرمایه سازمان پیدا میکند. در این شك نیست که سرمایه

داری به نسبت نظامهای پیشین به مراتب بر شدت و دامنه فعالیت علمی و فنی انسان افزوده است. اما بهرحال شکل مشخص تکاپوی علمی و فنی انسان در این نظام را نباید با منشاء اساسی این تکاپو اشتباه گرفت. رقابت بنگاهها و انگیزه های مادی فردی منشاء جستجوگری علمی و نوآوری فنی انسان نیستند، قالب مشخصی هستند که سرمایه داری تنها بر آن مینا میتواند این تلاش همیشگی انسان را، عینا مانند تلاش معاش، در خود جا بدهد.

چه در سرمایه داری و چه در هر نظام دیگری بهرحال احتیاج مادر اختراع است. در سرمایه داری این بازار است که نیازها را اعلام میکند و دامنه تقاضا برای کالاهایی که این نیازها را رفع کنند را تعریف میکند. و سرمایه هایی که کالاهایی تولید کنند که این نیازها را برآورده میکند سود میبرند. در متن این معادلات کاپیتالیستی دانشمندان و متخصصین پروژه های علمی و فنی خود را پیدا میکنند، معلوم میشود که چه بخشی از امکانات جامعه باید صرف پیشرفت علمی و فنی شود، علم و کاربست عملی آن در چه جهتی باید جلو برود، کدام قلمروها اولویت دارند و غیره. در سوسیالیسم، بازار، رقابت و منفعت فردی نیست، اما انسان و جستجوگری علمی و انگیزه نوآوری و بهبود کیفیت زندگی سرچایش هست. سوال مهمی که باید به آن پاسخ داد اینست که مکانیسم فهمیدن نیازهای علمی و فنی جامعه، انتخاب اولویتها، تخصیص منابع و سازماندهی تلاش علمی و فنی در غیاب بازار چگونه میتواند باشد. این بنظر من يك عرصه مهم تحقیق و بررسی مارکسیستی است و من طبعا جواب حاضر و آماده ای برای آن ندارم. صرفا خطوطی که بنظرم

میرسد را ذکر میکنم. در درجه اول باید توجه کرد که جامعه سوسیالیستی جامعه ای است باز و مطلع. تغذیه دائمی شهروندان با مجموعه اطلاعات مربوط به نیازها و تنگناها در عرصه های مختلف زندگی و فعالیت انسانی در سطح جهانی يك روش معمول در این جامعه خواهد بود. در نظام موجود بازار سرمایه ها را از وجود تقاضا و امکان سودآوری برای کالاهای معین مطلع میکند، در سیستم سوسیالیستی شهروندان و نهادهای آنها مداوما یکدیگر را از نیازهای اقتصادی و اجتماعی و انسانی و همینطور پیشرفتهای علمی و فنی بخشهای مختلف مطلع میکنند. سازماندهی رد بدل شدن دائمی این اطلاعات و دسترسی دائمی هر کس به آن با توجه به تکنولوژی موجود در همین امروز کاملا مقدور است. ثانيا، جامعه سوسیالیستی جامعه ای است که مردم از سطح علمی بسیار بالاتری به نسبت امروز برخوردارند. بهره مندی از دانش و شرکت در فعالیت علمی جزو امتیازات بخش مشخصی نیست، بلکه جزو حقوق پایه مردم است. همانطور که هنر خواندن و نوشتن روزی امتیاز افراد معدودی بود و امروز اصل بر این است که سواد جزو حقوق مردم است. همین امروز برای مثال میبینیم که چگونه استفاده از کامپیوتر و حتی کاربست نسبتا پیچیده و تخصصی آن لاقط در جوامع پیشرفته تر وسیعا تعمیم پیدا کرده است. این هنوز با توانایی سوسیالیسم در رشد ظرفیتهای علمی عموم و قرار دادن تسهیلات لازم برای فعالیت علمی در دسترس عموم قابل مقایسه نیست.

ممکن است گفته شود نیاز نیست. در غیاب انگیزه تمتع فردی چه چیزی انسانها را عملا

به عرصه فعالیت دائمی و فشرده علمی و فنی میکشاند. اینجا دیگر باید به مشخصات معنوی انسان و رابطه آن با مناسبات اجتماعی برگشت. تصویر قالبی کاپیتالیسم از انسان و انگیزه های انسانی را نمیتوان مبنای سازماندهی سوسیالیسم قرار داد. سرمایه داری روی منفعت طلبی و رقابت جویی فردی انسان سرمایه گذاری میکند و برای کارکرد اقتصاد سرمایه داری کلا این خصوصیات را در انسانها تقویت میکند و به آنها آموزش میدهد. اساس سوسیالیسم نوعدوستی و اجتماعی بودن انسان است. نه فقط پویایی علمی، بلکه هیچیک از آرمانهای سوسیالیستی بدون پاک کردن ذهن و فضای فرهنگی انسانها از تعصبات ساخته و پرداخته سرمایه داری قابل تحقق نیست. نمیخواهم اینجا وارد بحث در مورد ذات انسان بشوم. هر چند شخصا معتقدم که نوعدوستی و اجتماعی بودن در میان انسانها مشخصات بنیادی تر و قابل اتکاء تری به نسبت رقابت و خودپرستی هستند و این واقعیت بارها و به اشکال مختلف در همین جامعه عقب مانده و متعصب طبقاتی به ثبوت رسیده است. هنوز هم هرجا میخواهند مردم بیش حد متعارف از خود مایه بگذارند به این عواطف و مشخصات شریف انسانی چنگ میاندازند. سوسیالیسم بهرحال، مانند هر نظام دیگر اجتماعی، انسان متناسب با خود را پرورش میدهد. تجسم

جامعه ای که در آن سهم گذاری در سعادت همگان و شرکت در تلاش مشترک برای بهبود زندگی همونوع انگیزه پراتیک اقتصادی و علمی آدمها باشد چندان دشوار نیست.

به يك نکته دیگر هم باید اشاره کنم. این يك واقعیت است که سرمایه داری نه فقط خود بر اساس يك انقلاب صنعتی ظهور کرد، بلکه خود در مقایسه با نظامهای اقتصادی پیشین تحولات خیره کننده ای در سطح تکنیکی جامعه بوجود آورده است. اما در دل این تحولات تکنیکی، همچنان مهر فلج کننده و نقش عقب نگاهدارنده سرمایه را در رشد ظرفیتهای فنی جامعه انسانی بروشنی میبینیم. تکنولوژی در این جامعه در عرصه هایی رشد میکند که چه از نظر سودآوری سرمایه و چه از نظر اقتدار سیاسی بورژوازی ضروری بوده است. رشد عظیم تکنولوژی جنگی را در کنار عقب ماندگی فنی جدی پزشکی و بهداشت، آموزش، تولید مسکن و کشاورزی و غیره میبینیم. بخش اعظم مردم جهان در زندگی روزمره شان از ثمرات این تحولات تکنیکی محرومند. چهره فنی سوسیالیسم قطعا با سرمایه داری امروز تفاوت خواهد داشت، زیر اولویتهای فنی جامعه ای که اساس آن را بهبود زندگی انسانها تشکیل میدهد با جامعه ای که سود قطب نمای آن است بطور قطع تفاوت میکند.

\*

**انترناسیونال****نشریه حزب کمونیست کارگری****سرمدبیر این شماره: علی جوادی****ایمیل: anternasional@yahoo.com**

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



آزادی و برابری میدهد.

## الجزایر به کدام سو میرود؟

داوود رفاهی

روز ۱۱ مارس ۲۰۱۹ عبدالعزیز بوتفلیقه رئیس جمهور الجزایر بعد از مراجعات پزشکی خود در سوئیس به الجزیره باز گشت و بدنبال آن دولت اعلام کرد که بوتفلیقه "به دلیل پزشکی" از کاندیداتوری برای دور پنجم ریاست جمهوری صرف نظر می کند و انتخابات را به زمانی دیگر موکول می کند. همزمان اعلام شد که نخست وزیر هم استعفا داده و دولت وعده اصلاحات سیاسی و اقتصادی را داده و قرار است آن را در کوتاه ترین زمان به اجرا در آورد.

الجزایر در التهاب و اعتراض بسر میبرد. اعتراضات صدها هزار نفره مردم و به خصوص جوانان از ۱۸ روز پیش یعنی روزی که بوتفلیقه اعلام کرد که قصد دارد تا برای پنجمین دوره رئیس جمهور بشود، آغاز شد و در ابعاد وسیع بیوقفه ادامه یافت. بوتفلیقه که ۸۲ سال دارد از سال ۱۹۹۹ برای ۴ دوره رئیس جمهور است و قصد داشت تا باز هم برای دور پنجم با وجود عدم سلامت جسمی، مقام ریاست خود را ابقا بکند. بدنبال اعلام خبر کناره گیری بوتفلیقه از کاندیداتوری مردم به خیابانها ریخته و پیروزی نسبی خود را جشن گرفتند. ولی بنظر میاید که این تنها آغاز کار مردم برای تحولات در این کشور باشد.

جوان ۳۲ ساله‌ای که در جشن خیابانی توسط یک خبرنگار مصاحبه میشود، میگوید: این تنها نصف پیروزی ماست، من روز جمعه دوباره به اعتراضات می پیوندم. اعتراض ما تا سرنگونی این حکومت ادامه خواهد یافت.

مردم و جوانان حکومت را یک باند دزد و ارتشا و حیف و میل اموال مردم میدانند. بیکاری گسترده و فقر که نتیجه چپاول حاکمین و کل سرمایه داران و مفتخوران است مردم را تحت فشار شدید قرار داده است. قطعا مردم به یک جابجایی ساده رضایت نخواهند داد و اعتراضات ادامه خواهد یافت. آینده الجزایر و عملی شدن آرزوهای توده مردم به گسترش این اعتراضات و وجود رهبری ای که بتواند مردم را پشت یک پلاتفرم انسانی و رادیکال سازماندهی و بسیج کند گره خورده است. پلاتفرمی که تضمین کننده رفاه و آزادی های سیاسی همه جامعه باشد.

\*

## بازتاب هفته زیر نظر کیوان جاوید

### "معجزه سوسیالیستی"

کیوان جاوید

از فساد در جمهوری اسلامی شروع کنیم و به معمای بوی بد تهران برسیم. جدید ترین خبر حاکی از این است که یک پرونده دیگر فساد مالی در ایران با "۱۴ هزار میلیارد تومان" بدهی به دادگاه رفت. با این همه به دلیل تکراری بودن خبرهایی از این دست سراغ خبر بعدی می رویم که مردم تهران را بخود مشغول کرده است. معمایی که ظاهرا قرار است "خیلی سریع" حل شود. خبر مربوط به "گله مندی" آقای خامنه ای از انتشار بوی بد در "مسیر فرودگاه امام خمینی" است. می گویند ایشان آنقدر از انتشار این بوی بد عصابی بوده اند که دستور داده اند مسئولین نظام و دست اندرکاران هر کار واجبی هم که دارند فوراً زمین بگذارند و سریعاً با شناسایی منشأ این بوی نامطبوع "تا پایان دوران کار دولت دوازدهم" یعنی دو سال نیم دیگر رفع مشکل کنند. البته ایشان تحقیقا فرموده اند مومنانی که در حال انجام وظیفه برای چپال و غارت هستند جایز نیست ترک خدمت کنند.

در آن پایین در بطن جامعه، آنجا که زندگی پای می کوبد و آشکارا مصاف می طلبد، چشم ها بسوی مبارزات معلمان و زنان و کارگران خیره شده است. در این جامعه پرالتهاب ما شاهد تجمع هر روزه مالباختگان و اعتراض متشکل بازنشستگانیم.

مبارزه و اعتراض و تجمع مشخصه آشکار فضای سیاسی ایران است. این فضا البته ادامه تعرض آشکار به کل حاکمیت اسلامی است که از دی ماه ۹۶ آغاز شده و خواب همه جانیان اسلامی را آشفته کرده است. اتفاقی که همه اپوزیسیون حکومت اسلامی را به تحرکی مضاعف واداشته است.

جریانات راست مدافع بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در حیاط خلوت کاخ سفید چادر زده و برای رسیدن به بارگاه با شکوه صدارت بعد از پایان کار اسلامیون حاکم دست به دامن امامزاده ترامپ شدند تا شاید به نان و نوایی برسند. می گویند ما کار ایجاد می کنیم، از کویر برق تولید می کنیم. آب می آوریم و صنعت توریسم راه می اندازیم. مهمتر اینکه پاسدار تمامیت ارضی و مرز پر گهر و پرچم شیر و خورشید نشان می شویم. اما همانطور که خامنه ای برای پایان دادن به منشأ بوی بد دستور داده است "فورا" ظرف دو سال و نیم آینده چاره جویی شود، این یاران خوش پوش نظام جهانی سرمایه قول میدهند بعد از رفع خرابی های ناشی از حاکمیت اسلامی و بعد از سفت کردن کمر بند ها و ممنوع کردن اعتصابها برای تضمین رشد و شکوفایی اقتصادی در یک دوره کوتاه ۹۹ ساله نوبت به کارگر و معلم و پرستار و جوانان جویای کار می رسد که بتوانند برای فروش نیروی کار خود دست به رقابت

در بازار آزاد بزنند. اما حزب کمونیست کارگری می گوید مسیر سعادت و خوشبختی مردم ایران با نظام استثمارگر و با بردگی مزدی سنگفرش نمی شود. تنها راه نجات، تنها مسیر سعادت و خوشبختی در ایران با "معجزه سوسیالیستی" ممکن می گردد. معجزه ای که پایانی است بر توحش کاپیتالیستی و شروعی است برای ایجاد جامعه آزاد انسانی.

### ژست های "ترسناک" حکومتی از نفس افتاده

سیاوش مدرسی

صوفوشان درهم ریخته است، فشار کف خیابان و مراکز کار امان و نفس شان را بریده است! بحران نهایی را انتظار میکشند و برای مقابله با اعتراضاتی که هر روز بی امانتر، هست و نیستشان را تهدید می کند، آیت الکرسی می خوانند.

سیدعلی خامنه ای "جوانگرایی" می کند، نشان ذوالفقار به گردن یکی از مطرح ترین آدمکشان و تروریستهای منطقه‌ایش قاسم سلیمانی آویزان میکنند! سید ابراهیم رئیس‌الساداتی معروف به رئیسی را که از آغاز طلوع خونین این نظام ضد بشری تا به امروز در کنار اسدالله لاجوردی‌ها و حاج داودها در زندانها به شغل بازجویی، شکنجه و سلاخی و کشتار آزادیخواهان و کمونیستها مشغول بوده و ظاهرا تازه نفس تر و جوانتر از لشکر فرتوت یاران تبهکارش است به ریاست قوه قضائیه و نائب رئیس مجلس خبرگان انتخاب می کند! و در حاشیه فرماندهی جنگ اقتصادی را به لاف زن و شیاد شناخته شده‌اش حاجی حسن روحانی میسپارد!

این تلاشهای مذبحخانه قرار است چهره‌ای ترسناک به رژیم سفک و از نفس افتاده بدهد! چهره‌ای که حتی مافیاهای درون حکومتی را هم به تشویش نمی‌اندازد! این درست است که رژیم هنوز ظرفیت سرکوب دارد! اما این ظرفیت سرکوب حاکمیتی رو به افول و اضمحلال و فرسوده است که روز به روز زیر فشار جنبشی است که از اعماق جامعه نوید دمیدن سپیده



## اعتراض به زندگی زیر خط فقر و خواست فوری حداقل

### دستمزد ۷ میلیون

شهلا دانشفر



روزهای آخر سال است و بحث بر سر میزان حداقل دستمزد به مراحل اجرایی خود نزدیک میشود. بنا بر گزارشات دولتی بیست و دوم اسفند ماه دومین جلسه تعیین حداقل دستمزد توسط حکومت بر پا شد. اما این نشست بی نتیجه خاتمه یافت. دلیلش نیز اینست که جنبشی قدرتمند بر سر خواست افزایش حداقل دستمزدها به کف ۷ میلیون در جریان است و گفتمان اصلی این جنبش نه به زندگی زیر خط فقر، لغو حقوقهای نجومی و حق داشتن یک زندگی انسانی است. صف این جنبش را کارگران، معلمان، بازنشستگان و بخش عظیمی از حقوق بگیران جامعه تشکیل میدهد. تا هم اکنون ۷ تشکل کارگری سندیکای نیشکر هفت تپه، سندیکای واحد، گروه اتحاد بازنشستگان و کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری و نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی برق و فلزکاران کرمانشاه و کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری بر سر این موضوع بیانیه داده و برخواست حداقل دستمزد تاکید کرده اند. همچنین در مراسم

گرامیداشت ۸ مارس روز جهانی زن در تهران که به همت ندای زنان ایران برگزار شده بود بیانیه ای تحت عنوان "دستمزدها را به بالای خط فقر ۷ میلیون ببرید" صادر شد. این در حالیست که یک موضوع محوری در اعتراضات معلمان و بازنشستگان افزایش حقوقها به بالای خط فقر است. بدین ترتیب فضای اعتراضی در سطح جامعه و بطور ویژه در جنبش کارگری آنچنان فشاری برگزیده حکومتیان وارد کرده است که در مخمصه ای جدی برای تعیین میزان حداقل دستمزد قرار گرفته اند و جلسات تا کنونی ای به نتیجه ای نرسیده است و دارند از اینکه فقط یک هفته به پایان سال مانده است، به یکدیگر هشدار میدهند و نزاع هایشان بر سر این موضوع بالاست. در رابطه با دومین جلسه شورای عالی کار علی خدایی عضو این شورا و نماینده تشکلهای دست ساز حکومتی در رسانه های دولتی از اینکه در این نشست دولت تلاش کرده که نظرات نمایندگان کارفرمایان را با "نمایندگان کارگران" نزدیک کند، خبر میدهد. معنای واقعی این

نزدیکی نیز اجماع بر سر تحمیل فقر بیشتر بر کارگران است. علی خدایی همچنین از تعیین افزایش حقوق کارمندان دولت و مخالفت دولت با آن و تاثیر این موضوع بر روی مذاکرات مزدی و اینکه هر ساله تصمیم بر سر میزان حداقل دستمزد کارگران با اجماع به پیش رفته است، امسال نیز چنین خواهد بود، گزارش میدهد. او با این سخنان عملاً نقش ضد کارگری تشکلهای دست ساز حکومتی و همدستی آنان با کارفرمایان و دولت در تعرض هر ساله به زندگی و معیشت کارگران را مقابل چشم همگان قرار میدهد. علی خدایی در همین سخنان با گفتن اینکه اگر عدد تعیین شده روی حداقل مزد فراتر از میزانی باشد که الان نتوانیم رسانه ای کنیم، آنوقت با "مزد ترکیبی" موافق خواهیم بود، میکوشد زمینه را برای تعرضی دیگر به سطح دستمزد کارگران تحت عنوان پرداخت بخشی از مزد کارگران به صورت کالایی و انداختن اجناس بنجل به کارگران فراهم میکند. کلکی نخ نما که قبلاً هم به کار برده اند و بعد هم خبری از دادن کالاها به کارگران

نشده است. علی خدایی سپس ادامه داده و میگوید اگر میزان حداقل دستمزد پایین باشد بر همان افزایش یکسان همه سطوح مزدی تاکید دارد. بدین ترتیب او یک مشت عبارات مبهم تحویل کارگران میدهد، برای اینکه تعرضی که در پشت درهای بسته شورای عالی کار و از بالای سر کارگر به زندگی و معیشت کارگران در تدارکش هستند را لاپوشالی کند. لب و اساس این گفته ها اینست که همچنان در بر همان پاشنه می چرخد و برای حفظ مصلحت نظامشان و بحرانی که در آن گیر کرده اند، این معیشت کارگری و مردم این جامعه است که یغما خواهد رفت. کارگران شورای عالی کار و کل این بساط سرمایه داری وحشی حاکم را قبول ندارند.

گفتنی است که زیر فشار فضای پر تلاطم جامعه و رشد افسارگسیخته نرخ تورم، بنا بر مصوبه مجلس اسلامی و تایید شورای نگهبان مقرر شده است که در سال ۹۸ به حقوق کارکنان دولت ۴۰۰ هزار تومان اضافه شود. بر سر این موضوع جنجال بسیاری به پا شده و بحث داغی بین دولت و مجلس به راه افتاده است. در حالیکه به گفته نوبخت ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار نفر از افراد شاغل و بازنشسته زیر ۲ میلیون تومان حقوق می گیرند. بر اساس همین گفته ها حتی با افزایش ۴۰۰ هزار تومان دستمزد آنها کماکان ۵ بار زیر خط فقر خواهد بود. بدون اینکه از درمان رایگان و یا تحصیل رایگان برای فرزندانشان خبری باشد. بعلاوه تنها پاسخ دولت نیز به این بخش از کارکنان دولت پیشرفته اینست که در سال آینده افرادی که زیر ۲ میلیون تومان حقوق دریافت می کنند، مالیاتشان صفر خواهد شد و به کارکنانی که زیر ۳ میلیون تومان حقوق می گیرند "بسته حمایتی" تعلق خواهد گرفت.

قولش به کارگران نیز اینست که دستمزد آنان نباید از حقوق کارکنان دولت کمتر باشد. در دل این مباحث است که راینی هایشان حول "افزایش" ۲۰ درصدی مزد کارگران می چرخد. معنای آن نیز رسیدن سطح حداقل دستمزد کارگران نهایتاً به رقم یک میلیون و سیصد و نود هزار است.

کارگران به این بردگی تن نخواهند دارد و صف آرایی ها از هم اکنون شکل گرفته است. کارگران نه تنها به زندگی زیر خط فقر اعتراض دارند بلکه خواستار برچیده شدن حقوق های نجومی و فاصله عمیق طبقاتی در سطح جامعه هستند. کارگران، معلمان، بازنشستگان با شعارهایی چون "حکومت سرمایه دار مفتخور نمیخواهیم" دارند کل بساط سرمایه داری حاکم را به چالش میکشند. پیوستن به جنبش حداقل دستمزد ۷ میلیون، حرکتی در راستای تقویت جنبش علیه فقر و علیه توحش سرمایه داری حاکم است. باید وسیعاً به این جنبش پیوست.

پیام مراسم هشت مارس ۹۷ در تهران: "دستمزدها را به بالای خط فقر ۷ میلیون ببرید" درد معیشت و گرانی و حقوق های چندین بار زیر خط فقر برای همه ما فلاکت عمومی را به ارمغان آورده است

فقری که زنانه می شود و بر سر خانواده ها آوار می گردد. ما کار می کنیم که زندگی کنیم اما #حقوق هایمان ریالیست و هزینه هایمان دلاریست! ۸ مارس را فرصتی قرار می دهیم که همراه با همه کسانی که در جنگ نابرابر نان مشت به آسمان می کوبند، بگوییم: حقوق ها را بالای خط فقر برسانید.

خط فقری که گفته شد ۷ میلیون تومان می باشد و دیگر زندگی برای ما در زیر خط بقا هم جایی ندارد!

✽

## بریتانیا در چنگ بحران "برگزیت"

کاظم نیکخواه



و مساله گمرکات و امثال اینها.

با شکست طرح ترزا می حزب لیبر برهبری جرمی کوربین تلاش میکند پلاتنفرم خود در مورد برگزیت را روی میز بگذارد. لیبر معتقد است که میشود طرحی را داد که در عین حال که بریتانیا از اتحادیه اروپا خارج میشود، اما حقوق شهروندی را بیشتر مد نظر قرار دهد و مناسبات معینی را با اروپا حفظ کند. هنوز پلاتنفرم لیبر بطور مشخص جوانبش روشن نیست.

اتحادیه اروپا هم ترجیحش اینست که یا رای برگزیت با یک رفراendum مجدد کلا پس گرفته شود یا حداقل طرحی مثل طرح لیبر برنده شود. اما لیبر در پارلمان اکثریت ندارد. و امیدوی به رای آوردن طرح لیبر هم نیست. بنابراین به احتمال زیاد اوضاع به سمت رای گیری مجدد بر سر خروج یا عدم خروج حرکت میکند.

تا مدتی پیش کسی در راس احزاب اصلی و در دولت جرات نمیکرد که از رفراendum مجدد صحبت کند. اما الان همه جا این بحث مطرح است. و این احتمال هست که یکی دو ماه دیگر مساله رفراendum مجدد به ناگزیر تصویب شود. بسیاری از مردم حتی آنها که رای به خروج داده اند، نظرشان عوض شده و ترجیح میدهند که برگزیت لغو شود. در رفراendum برگزیت طرفداران خروج وعده های زیادی دادند و ارزیابی هایی کردند که همه دروغ در آمده است. اکنون برای همه معلوم شده است که نه فقط آن وعده ها از جمله افزایش میلیاردری در آمد انگلیس بعد از خروج تماما دروغ بود بلکه بریتانیا برای خروج باید هزینه های سنگینی

ممکن برای خروج بوده است و آن طرح توسط پارلمان بریتانیا رد شده است. بنابراین این بن بست را خود دولت انگلستان و پارلمان باید با هم حل کنند و از دست اتحادیه اروپا کاری ساخته نیست. نکته مهم دیگر اینست که برای تمديد زمان اجرای "ماده ۵۰" که خروج را در مدت دوسال پس از اعلام خروج الزامی میکند، باید تمام کشورهای اروپا به اتفاق آرا با تمديد آن موافقت کنند. حتی یک رای مخالف باعث غیر ممکن شدن تمديد میشود.

یک موضوع مهم مورد مجادله، مساله توافقات بر سر رابطه دو ایرلند است. ایرلند شمالی جزو انگلستان است و جمهوری ایرلند یک کشور مستقل است که جزو اتحادیه اروپاست. در رفراendum برگزیت ایرلندیهای بریتانیا به ماندن در اتحادیه اروپا رای دادند و این طبیعی بود چون نمیخواهند که با ایرلند جنوبی که مرکز آن دوبلین است قطع رابطه کنند. الان در طرحهای موجود چیزی بنام "بک استاپ" تعریف شده که به نوعی رابطه دو بخش ایرلند را تضمین میکند. اما اتحادیه اروپا و دولت انگلستان دو تعریف متفاوت از آن و مدت اعتبار آن دارند. موضوع ایرلند برای بریتانیا یک تناقض جدی است. هیچ راه حلی برای این موضوع وجود ندارد. چون نمیشود هم از اروپا جدا شد و هم با ایرلند که جزوی از اروپاست مثل قبل در ارتباط بود. این تناقض جدی ای است. مسائل دیگری هم هست. مثل حقوق اتباع اروپا در انگلستان و حقوق اتباع انگلیس در کشورهای اروپایی

تلاطم افتاده است و مردم با نگرانی بدنبال راه حلی هستند و چشم به دهان سیاستمداران دوخته اند. اما دریغ از یک ذره راه حل و یک ذره تحول امید بخش و یک ذره تصمیم معقول و قابل قبول! یک بن بست کامل سیستم حاکم را فرا گرفته است.

اوج این تنش و بحران این روزها در جریان است. روز سه شنبه ۱۲ مارس طرح ترزا می برای خروج از اتحادیه اروپا برای بار دوم در پارلمان با اکثریتی نزدیک به ۱۵۰ رای شکست خورد. ۳۹۱ رای مخالف و ۲۴۲ رای موافق. این یک شکست سنگین برای ترزا می و حزیش بود. روز بعد یعنی روز چهارشنبه این هفته نیز در مورد خروج بدون هیچ توافقی یا "no deal" رای گیری شد که آنها هم به پیشنهاد ترزا می بود و همانگونه که انتظار میرفت با اکثریت آرا (گرچه با اکثریت ضعیفی) رد شد. روز پنجشنبه ۱۴ مارس پارلمان یا مجلس عوام به ترزا می ماموریت داد که به بروکسل برود و تقاضای تمديد مهلت تصمیم گیری در مورد برگزیت را بکند که آخرین ماه یعنی حدود دو هفته دیگر تمام میشود و اگر تمديد نشود خروج بدون توافق الزامی است.

این یک بن بست واقعی است. ددرس مهم اینست که اتحادیه اروپا برای تمديد زمان خروج، شرط و شروط خود را دارد و برای تمديد موعده تعیین شده خروج دلایل روشن میخواهد. شماری از مقامات اتحادیه اروپا به وضوح اعلام کرده اند طرحی که با ترزا می قبلا توافق کردند بهترین طرح

بریتانیا در بحران سیاسی و تلاطم برگزیت (طرح خروج از اتحادیه اروپا) دست و پا میزند. دولت و حزب حاکم در بحران و سردرگمی هستند، احزاب اپوزیسیون در سردرگمی بسر میبرند، مردم نیز هاج و واج به صفحات تلویزیون چشم میدوزند و چیز روشنی نمیشوند. آینده بریتانیا تماما دچار تزلزل و بحران است. این بحران سیاسی باعث شده است که تهدید یک بحران و بی ثباتی اقتصادی نیز بالای سر جامعه قرار گیرد. بحران برگزیت در شرایط کنونی بهیچ وجه اجتناب ناپذیر نبود. اساسا فشار جریانات ناسیونالیست و دست راستی نظیر حزب "یوکیپ" و جریانات درون حزب راست محافظه کار، نخست وزیر قبلی انگلیس دیوید کامرون را به صرافت رفراendum بر سر ماندن یا خروج از اتحادیه اروپا کشاند. او خود طرفدار ماندن در اتحادیه اروپا بود اما زیر فشارها در پلاتنفرم انتخاباتی وعده رفراendum بر سر اتحادیه اروپا را داد و پیش بینی میکرد که ماندن رای بیاورد. با رفراendumی که در سال ۲۰۱۶ صورت گرفت خروج از اتحادیه با یک تفاوت دو درصدی رای آورد و کامرون ناچار به استعفا شد. با این رای بریتانیا وارد بزرگترین بحران سیاسی خود بعد از جنگ جهانی دوم شد و چشم اندازی برای خروج از آن دیده نمیشود.

هیچ چیز بیش از وضعیت کنونی بریتانیا نمیتواند سردرگمی طبقه حاکم در حکومت کردن را جلوی چشم بگذارد. سرنوشت این کشور در دست بازیهای نازل سیاسی به

بپردازد که یک قلم آن پرداخت فوری ۶۰ میلیارد یورو بخاطر تعهدات مشترکی است که با کشورهای اروپایی امضا کرده است. پس از آن باید هزینه های سنگین گمرکات و کاهش در آمد بازرگانی و امثال اینها را نیز اضافه کرد. اما مشکل اینست که برای یک رفراendum مجدد و لغو احتمالی برگزیت نیز موانع جدی وجود دارد. اگر قرار باشد وسط یک تصمیم هر جا که رای دهندگان تشخیص دادند و نظرشان عوض شد مجددا رای گیری شود، این جا پای مردم و دخالتگری مردم را به زیان سیاستمداران محکومتر میکند. و سیستم حاکم نمیخواهد بسادگی تن به چنین دخالتگری ای بدهد. اما بنظر میرسد که برگزیت حداقل این خاصیت را داشته باشد که مردم را ناچار به دخالتگری کند. بهرحال برای رفراendum مجدد یک سری قواعد و قوانین جدید باید تصویب شود تا این روال به صورت قاعده برای آینده تبدیل نشود و "دموکراسی عزیز" لطمه نبیند. نهایتا اگر اوضاع خوب پیش برود آطور میشود که ما مدتها قبل پیش بینی کرده بودیم و آن رفراendum مجدد و یک سرشکستگی و تحقیر جدی برای سیستم حاکم و بورژوازی انگلیس و لغو کل این بلبشویی است که برگزیت نام گرفت و یک عالمه هزینه و بحران و کل سردرگمی ایجاد کرد و کل اقتصاد و اوضاع سیاسی و اجتماعی انگلستان را بسیار عقب کشید. باید منتظر ماند و دید که تحولات بعدی چگونه پیش خواهد رفت. اما هرچه باشد تردیدی نیست که بحران موجود به این زودی ها دست از سر بریتانیا بر نخواهد داشت.

\*

**نشریه انترناسیونال را به دوستان و  
آشنایانتان معرفی کنید!**

## حمله به دو مسجد در نیوزیلند را شدیداً محکوم میکنیم

امروز جمعه ۱۵ مارس گروهی از فاشیست ها در شهر کرایست چرچ نیوزیلند در اقدام جنایتکارانه ای به دو مسجد حمله کردند و مسلمانان حاضر در این مساجد را به رگبار بستند. این اقدام ضد انسانی حداقل ۴۹ کشته و شماری مجروح از خود بجای گذاشت. پلیس این کشور گفته است که چهار نفر را به ظن ارتباط با این حمله دستگیر کرده است. یکی از مهاجمان قبل از این واقعه بیانیه ای که در آن از برتری نژادی و نفرت از مهاجران دفاع کرده بود، در مدیای اجتماعی منتشر کرده بود.

حزب کمونیست کارگری این اقدام جنایتکارانه را شدیداً محکوم میکند و به بستگان قربانیان این واقعه تسلیت میگوید و برای مجروحین آرزوی بهبودی میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ اسفند ۱۳۹۷، ۱۵ مارس ۲۰۱۹



حسن صالحی

## اختلاس هفت میلیارد یورویی، نه اولین و نه آخرین است

جمهوری اسلامی فقط در زمینه جنایت رکودار نیست. این رژیم در زمینه چپاول و فساد مالی نیز هر بار رکورد تازه ای را از خود برجای می گذارد. در جریان دادگاه فساد مالی در شرکت بازرگانی پتروشیمی معلوم شده است عددی به بزرگی ۶،۶ میلیارد یورو ملا خور شده است. این رقم اختلاس در مقایسه با پرونده بابک زنجانی سه برابر است. این دزدی معادل حقوق متوسط ماهانه بیش از ۶۰ هزار کارگر یا معلم است. آنهم بشرطی که حقوق آنها از یک میلیون تومان بیشتر باشد. می گویند این بزرگترین اختلاس تاریخ جمهوری اسلامی است. اما حقیقت چنین نیست چرا که جمهوری اسلامی خود حکومت اختلاس گران و دزدان است و این فقط گوشه ای از دزدی های آنهاست که حالا به هر دلیل رسانه ای شده است.

خشم و نارضایتی مردم از فقر و نداری در جامعه و مقایسه زندگی فقیرانه خود با حکومتیان و عواملشان که از قبل زحمات آنها و غارت ثروت جامعه پولهای افسانه ای به جیب می زنند، باعث شده که جمهوری اسلامی برای خواباندن خشم مردم هر از گاهی عده ای را قربانی کند. پتروشیمی مورد آخر آن است ولی آخرین نخواهد بود و باید انتظار داشت موارد دیگری هم رسانه ای شوند.

مشکل جمهوری اسلامی یک و یا دو مورد دزدی و فساد نیست. جمهوری اسلامی

انجامد که یکی محاکمه شود تا باقی دزدان با خیال راحت به دزدی ادامه دهند.

مشکل مردم کل این نظام سرتاپا فساد و دزدی است. فرقی نمی کند که نامشان چه باشد. فرقی نمی کند که به دادگاه کشیده شده باشند و یا در روز روشن به دزدی های خود ادامه دهند. فرقی نمی کند به خارج گریخته اند و یا در داخل به دزدی ها ادامه می دهند. فرقی نمی کند اصولگرا هستند و یا اصلاح طلب. فرقی نمی کند به اپوزیسیون پرو رژیم تبدیل شده اند و یا مکتبی هستند. خیر و برکات این رژیم برای کسانی که در رکابش شمشیر زده اند از جمله بدست آوردن ثروت های نجومی بوده است. مردم به همه اینها به یک چشم نگاه می کنند. دزدانی که با سرکوب دولتی حق و حقوق آنها را نمی پردازند، آنها را به زندگی با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر محکوم می کنند و خود با ثروت های کلان و افسانه ای بهترین زندگی را دارند. کسانی که با چنگ

انداختن بر ثروت اجتماعی به جای استفاده از این منابع در جهت رفاه و اسایش مردم، به غارت و چپاول این منابع مشغولند و پولها را به جیب گشاد خود روانه میکنند. کل حکومت در ایجاد و حفظ سیستم اقتصادی فاسد موجود ذیسمه و ذینفع است. شعار کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان در پاسخ به اینها اینست: "سرمایه

## Heinous Floggings in Iran Must Stop!



Jafar Azimzadeh



Mohamad Habibi



Nasrin Sotoudeh

Sentenced to up to 148 Lashes

## مجازات شنیع شلاق باید متوقف شود!

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

www.wpiran.org  
www.facebook.com/wpirinternational

دزد و مفتخور نمیخواهیم" مردم بارها در اعتراضات خود به وجود اختلاف عمیق طبقاتی در جامعه اشاره داشته اند. بارها شعار داده اند که با پولهای چند مورد اختلاس حکومتی بسیاری از مشکلات اقتصادی آنها می توانست حل شود. و همه اینها حقیقت دارد. علیرغم ادعاهای کذابی جمهوری اسلامی دزدسالاری

اسلامی سرمایه قابل اصلاح نیست و هر نوع اصلاح و تغییر جدی در سیستم اقتصادی موجود در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است. راه حل این است که این رژیم فاسد و جنایتکار به زیر کشیده شود و به حاکمیت سیاسی و اقتصادی سرمایه داری در ایران پایان داده شود.

\*

# به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

## گزارشی از برنامه های هشت مارس در خارج کشور



ادامه از صفحه ۵  
انترناسیونال می پرسد

بود که بحران سوریه طولانی تر و پ.ك.ك هم ناچار خواهد شد متحدین و حامیان دیگری در خواهند پیوست. در چنین شرایطی بارزانی در هماهنگی با آمریکا تعیین کننده سیاست این جبهه خواهد بود. پ.ك.ك به آن تکیه خواهد داد. بنابر این من تصور نمیکنم جمهوری اسلامی و ترکیه بتوانند در این مورد توافقشان را کامل اجرا کنند. حتی اگر جمهوری اسلامی برای راضی کردن ترکیه اقدامی نظامی هم علیه پ.ك.ك انجام بدهد محدود و غیر موثر و در هماهنگی با خود پ.ك.ك خواهد بود. زیرا جمهوری بود.

اسلامی در این شرایط بحرانی که در آن قرار گرفته است نمیخواهد کارت بازی با پ.ك.ك و پژاک و بحران جمهوری اسلامی و ی.پ.گ را بسوزاند. بویژه اینکه رابطه پ.ك.ك و خانواده اسد در سوریه قدمتی طولانی دارد. یک بار اسد ناچار شد توافقش با ترکیه علیه او جلان را اجرا کند که به دستگیری او جلان منجر شد. اما بعدا متوجه شد که ترکیه به دشمن درجه یک اسد تبدیل شد و در جریان بحران سوریه بارها و تا به امروز هم اسد را دشمن خود میداند. بنابر این در صورتیکه جمهوری اسلامی ناچار است به خواست ترکیه عمل کند و جنگ جدی با پ.ك.ك و پژاک را در هماهنگی با دولت ترکیه پیش ببرد در این حالت پ.ك.ك و پژاک در تنگنا قرار خواهند گرفت و مذاکرات دولت سوریه و ی.پ.گ هم با مشکل مواجه خواهد شد. معنی چنین سیاستی این خواهد

۱۷ تابلو که تصویری از ۴۰ سال مبارزه زنان علیه جمهوری اسلامی میداد توسط فعالین حزب در برخی از مراسم ها و آکسیون ها به نمایش گذاشته شد.

سخنرانی ها و کلیپ های متعددی از حضور فعالین حزب در برنامه های مختلف را میتوان در سایتها و مدیای اجتماعی حزب مرور کنید.

\*

در فرانکفورت، استکهلم، گوتنبرگ، مالمو و تورنتو فعالین حزب با در دست داشتن بنرها و پلاکاردهای مختلف در راهپیمایی هشت مارس شرکت کردند. در ونکور نیز فعالین حزب ضمن شرکت در تجمع هشت مارس، چادر اطلاع رسانی و نمایشگاه عکسی از چهل سال مبارزه زنان دایر کردند.

لازم به ذکر است که امسال

طول چهار روز برنامه فشرده در شهرهای Porodono و Sacile در چندین برنامه برای مردم سخنرانی کرد. سخنرانی نسرین در شهر پوردونو به شرایط زندگی و مبارزات زنان در کردستان اختصاص داشت و در سخنرانی های دیگر در مورد نقش حکومت و قوانین اسلامی در زندگی زنان و مبارزات زنان علیه جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی آن سخنرانی کرد. در پایان یکی از این برنامه ها شرکت کنندگان به نشانه احترام به مقاومت و مبارزه زنان در ایران، بپاخاسته و دست زدند. همچنین در یک برنامه میزگرد زنده رادیویی که سه ساعت بطول انجامید به سوالات شنوندگان پاسخ داد. لازم به توضیح است که این برنامه ها توسط «neda day» سازماندهی شده بود.

اسلامی، از جمله پیام تبریک رئیس جمهور آلمان به سران حکومت، و ضرورت حمایت مردم آلمان از مبارزات زنان در ایران به زبان آلمانی سخنرانی کرد. در شهر لایپزیک نیز زهرا فتاح نژاد در مورد هشت مارس و مبارزات زنان بر علیه جمهوری اسلامی به زبان آلمانی سخنرانی کرد.

سخنرانان حزب در سخنرانی هایشان در مورد وضعیت زنان در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، مبارزات زنان و مردم آزاده علیه حکومت و قوانین ضد زن اسلامی پرداختند و تصویری از مبارزه وسیع و همه جانبه ای که علیه جمهوری اسلامی در اقصی نقاط کشور جریان دارد و نقش فعال زنان در صف مقدم این اعتراضات، به حاضرین ارائه دادند. در ایتالیا نسرین رمضانعلی در

واحدای تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری امسال فعالانه در راهپیمایی ها و گردهمایی های هشت مارس شرکت کردند و یا خود مبتکر و سازمانده مراسم و آکسیون از جمله در یازده شهر در سوئد، آلمان، کانادا، ایتالیا و فنلاند بودند.

شیوا محبوبی در شهر گوتنبرگ سوئد، نسرین رمضانعلی در چندین برنامه در شهرهای Porodono و Sacile ایتالیا، مینا احدی در شهر کلن، مهین علیپور در استکهلم، عزیزه لطف الهی در هلسینکی و فریده آلمان در مالماز جمله سخنرانان مراسم های هشت مارس بودند.

در شهر هانوفر آلمان ناصر کشکولی در تجمع هشت مارس درباره مبارزات زنان در ایران و سیاست های مماشات جویانه دولت آلمان با جمهوری

## شلاق مطلقاً ممنوع!

### فراخوان به کارزاری گسترده برای لغو مجازات شلاق!



کارگران و معلمان و دانشجویان و همه تشکل‌ها و سازمانهایی که برای آزادی و حرمت انسانی مبارزه میکنند را به کارزاری وسیع و گسترده چه در داخل و چه در خارج ایران برای الغاء مجازات شلاق فرامیخواند. حزب ما تا کنون در این زمینه فعال بوده، اما اکنون مصمم هستیم کارزار علیه مجازات ضد بشری شلاق را با تمام قوا گسترش دهیم. ما همانطور که با دامن زدن به یک جنبش وسیع علیه اعدام در ایران جمهوری اسلامی را در زمینه مجازات اعدام بدرجاتی عقب رانده ایم و یا با اتکاء به یک جنبش جهانی در دفاع از سکینه محمدی جمهوری اسلامی را مجبور کردیم تا مجازات هولناک سنگسار را عملاً متوقف کند، اینبار نیز مصمم هستیم با اتکاء به حمایت مردم ایران و جهان حربه ضد بشری شلاق را از دستان پلید جمهوری اسلامی بیرون آوریم. در این راه ما صمیمانه دست همه فعالین و نیروهای مبارزه برای لغو شلاق را میفشاریم.

شلاق، فورا و در همه جا، لغو باید گردد!

زنده باد آزادی و برابری و حرمت انسانی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ اسفند ۱۳۹۷، ۱۵ مارس ۲۰۱۹

شلاق مجازاتی ضد بشری و باقیمانده از قرون وسطی و عصر بربریت است. این نوع مجازات باید مطلقاً و در همه جا لغو شود. هر جایی هم که بویی از تمدن برده است این نوع مجازات منسوخ شده و احیای آن در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و حالا بکارگیری آن علیه زندانیان سیاسی موجب حیرت و نفرت جهانی است. باید این حربه را تماماً از دست جمهوری اسلامی درآورد. شلاق باید مطلقاً ممنوع و محکوم شود. باید هر مورد محکومیت به شلاق و یا اعمال آن با اعتراض وسیع اجتماعی در داخل و خارج ایران روبرو شود. باید هر مورد شلاق یا حکم آن به یک اسکاندال برای جمهوری اسلامی تبدیل شود. باید در مجامع کارگری و اجتماعات مردم آزاده جهان جمهوری اسلامی را به جرم اعمال چنین مجازات ضد بشری به محاکمه کشید. باید کاری کرد تا تمامی سازمانهای مدعی دفاع از حقوق بشر، همه دولتها و احزاب سیاسی در سراسر جهان ناچار شوند این برگشت قرون وسطی و عصر برده داری که در ذات مجازات شلاق نهفته است را فورا و قویاً محکوم کنند. باید رژیم اسلامی شلاق را همه جا رسوا کرد.

حزب کمونیست کارگری همه مردم آزاده، همه

جمهوری اسلامی با ارباب و تحقیر سیستماتیک جامعه، با زندان و شکنجه و اعدام و شلاق و تجاوز و سنگسار و حجاب و قصاص اسلامی، توانسته به بقای ننگین خود ادامه دهد. مبارزه مردم ایران البته رژیم را در خیلی زمینه‌ها به عقب رانده ولی اکنون زمان آنست که جامعه ایران علیه مجازات شلاق بطور مشخص بپایخیزد و این حربه شنیع را از کف رژیم اسلامی بیرون آورد.

جمهوری اسلامی شلاق را بعنوان مجازات در تقریباً همه زمینه‌های زندگی مدنی و سیاسی، از جمله در دفاع از فرهنگ منحن اسلامی اش نظیر مقابله با "روزه خواری" و "شراب خواری"، یا علیه کارگران اعتصابی، و یا اخیراً و بطور روزافزون علیه زندانیان سیاسی، بکار می‌گیرد. از جمله در ماههای اخیر محمد حبیبی از فعالین معلمان، جعفر عظیم زاده رهبر سرشناس کارگران و نسرين ستوده وکیل مدافع و زندانی سیاسی شناخته شده را به ضربات شلاق محکوم کرده است. آشکار است که رژیم اسلامی که زیر فشار اعتراضات گسترده مردم در حال احتضار است، میکوشد با شلاق چرخانی مگر جامعه را مرعوب و تحقیر و از اینطریق "اداره" کند.

## گزارش روز جهانی زن در کردستان

در شهر سقز نیز تعدادی از زنان، با پخش شیرینی در مسیرهایی از جمله خیابان جمهوری، میدان آزادی، میدان قدس، خیابان امام، میدان هلو، به پیشواز روز جهانی زن رفتند.

### برگزاری مراسم روز جهانی زن در اطراف بانه

چهارشنبه ۱۵ اسفند، مراسم با شکوهی با حضور شمار زیادی از زنان آزادیخواه و مبارز در اطراف شهر بانه برگزار شد. این مراسم با یک دقیقه سکوت آغاز شد. به دنبال تاریخچه ای کوتاه از روز جهانی زن خوانده شد. سپس یکی از زنان شرکت کننده در مراسم درباره تبعیض و نابرابری جنسیتی علیه زنان و راههای پایان دادن به آن و به میدان آمدن زنان علیه این نابرابریها سخنانی ایراد کرد. قطعهنامه ای نیز به این مناسبت قرائت شد که با تشویق و استقبال زنان حاضر در این مراسم روبرو شد. مراسم با و رقص و شادی ادامه یافت.

### مراسم گرامیداشت ۸ مارس در اشنویه

#### کوهنوردان اشنویه (گروه کوهنوردی پیشرو)

#### با شعار آزادی زن آزادی جامعه

روز ۱۷ اسفند کوهنوردان اشنویه (گروه کوهنوردی پیشرو) در یکی از ارتفاعات اطراف اشنویه در فضای صمیمانه مراسم روز جهانی زن را برگزار کردند.

\*\*\*

دید و بازدید و جشن مراسم روز زن را برگزار کردند. حکومت اسلامی با دستگیری های گسترده از برگزاری مراسمها در شهرها جلوگیری کرد. زنان و مردان آزادیخواه از حضور در میدانهای شهرها بحکم امنیتی کردن از برگزاری مراسمهای خودشان در شهرها محروم شدند، اما ساکت نشدند، تمکین نکردند و با توجه به امکانات و روابط اجتماعی، در اطراف شهرها مراسم های با شکوهی را برگزار کردند. پیام و قطعهنامه هایشان را خواندند. ده ها پلاکارد در گرامیداشت روز زن، با شعارهایی مانند "آزادی زن آزادی جامعه است" در گرامیداشت روز زن دست به رقص و شادی زدند.

مراسم گرامیداشت روز جهانی زن با حضور تعداد زیادی از زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در شهرهای بانه، سقز، سنندج و کامیاران برگزار گردید.

در شهر سنندج جمعیت زیادی از زنان و مردان برابری طلب و گروه "کوهنوردی چل چه مه سنه" با برپایی تجمع با شکوهی در اطراف شهر مراسم روز جهانی زن را برگزار کردند. پیام بمناسبت این روز توسط یکی از زنان شرکت کننده خوانده شد، سرود خوانده شد و در ادامه شرکت کنندگان دست به رقص و شادی زدند.

امسال (۱۳۹۷) حکومت اسلامی و نهادهای امنیتی - اطلاعاتی در کردستان با دستگیری های وسیع و احضاریه و تهدید و با ندادن مجوز برگزاری مراسم در شهرها (در سالن و مجامع عمومی)، ممانعت جدی در برگزاری مراسم های روز جهانی زن را ایجاد کردند. توسط فعالین جنبش رهایی زن، تعدادی از زنان از شخصیتهای اجتماعی از نویسندگان و شاعران فعالیتهای زیادی برای برگزاری مراسم روز زن در شهرها بویژه در سنندج انجام شد، حکومت اسلامی با سیاست دستگیری و احضاریه از دادن مجوز خودداری کرد.

جمهوری اسلامی متوجه آمادگی و جنب و جوش ویژه ای در میان فعالین زن و مرد شد و با دستگیری و ندادن مجوز تلاش کرد جلو برگزاری مراسم های بزرگ هشت مارس را بگیرد.

اما امسال در شهرهای کردستان و تحت تاثیر فضای مبارزاتی و اعتراضی که با اعتصاب قدرتمند و با شکوه معلمان در ده ها مدرسه برگزار شد، بخشهای زیادی از فعالین جنبش زنان با هماهنگی و حمایت گروه های کوهنوردی در اطراف شهرها مراسم های باشکوه روز زن را برگزار کردند. همچنین تعدادی از زنان آزادیخواه همراه با محافل وسیعی از دوستانشان با